



کار ایرانی

پیشخوان شماره ۸۵

در کلام حضرت آیت الله خامنه ای



KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- ۷ / نقش کارگران در انقلاب اسلامی
- ۱۵ / ارزش کار در جمهوری اسلامی
- ۱۹ / امروز کار، یک فضیلت، ارزش و یک عبادت و مبارزه است
- ۲۳ / علم و کار، دو بال برای ملت است
- ۳۱ / اسلام می‌خواهد، کار در راه خدا و برای خدا باشد
- ۳۷ / وجدان کاری و اتقان کاری
- ۴۳ / ارزش کار و کرامت کارگر
- ۴۷ / نگاه اسلام به کار و روابط کارگر و کارفرما
- ۵۳ / رابطه کارگر و کارفرما در مکتب اسلام، سرمایه‌داری
- و کمونیزم
- ۶۱ / نقش کارآفرینی در پیشرفت کشور
- ۷۱ / عرصه‌ی کار، عرصه‌ی پیکار ماست
- ۷۹ / ابلاغ سیاست‌های کلی اشتغال
- ۸۳ / حمایت از کار و سرمایه ایرانی برای دستیابی به استقلال اقتصادی
- ۸۹ / مصرف تولیدات داخلی؛ راه تقویت کارگر ایرانی





«معرفتهان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایتهای سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه‌زدن در سایتهای گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست... سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۹۱/۰۵/۱۶)

اشاره

فراتر رفتن از اخبار و هیاهوهای رسانه‌ای روزمره و داشتن برنامه و سیر مطالعات دینی و اجتماعی از جمله توصیه‌ها و تأکیدات همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان متمادی بوده است.

از جمله عرصه‌هایی که می‌تواند در مسیر مطالعات اسلامی افراد گوناگون به خصوص فعالین فرهنگی - اجتماعی و ... مورد توجه و استفاده قرار گیرد اندیشه‌های مقام معظم رهبری بوده و اصلی‌ترین مجرای ظهور و بُروز این افکار نیز بیانات معظم‌له می‌باشد. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR پیش از این در جهت نیل به این مهم و زمینه‌سازی مناسب جهت آشنایی مناسب اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این اندیشه‌ها، محصول «پیشخوان» را ارائه داده بود. پیشخوان مبتنی بر فهرست بیانات پایه و اصلی رهبری در یک موضوع بود که هر یک از بیانات مربوط به موضوع نیز دارای نمایه‌ی موضوعی خاص خود بود که هم‌اکنون نیز آرشیو این موضوعات در صفحه‌ی پیشخوان این پایگاه قابل دسترسی است.

اینک در جهت تکمیل این حرکت مطالعاتی، جزوات موضوعی پیشخوان جهت دریافت و مطالعه‌ی مخاطبان آماده شده است. گفتنی است «جزوات پیشخوان» در قالب PDF آماده شده و شامل بیانات مختص به هر موضوع به صورت مجزا و مشخص می‌باشد.



نقش کارگران در انقلاب اسلامی

حضور تاریخی کارگران در دو جبهه انقلاب اسلامی

ایثارگری کارگران در دفاع مقدس

کارگران، قشر آگاه جامعه

راز ایستادگی و اقتدار انقلاب اسلامی

عامل اصلی پیوند و همبستگی بین ملت ایران

و دیگر ملت‌ها

عملکرد حیرت آور انقلاب اسلامی در ده سال

اول عمر خود

روشی که انقلاب را تا ده‌ها سال بعد پیش برد

قرار گرفتن کارگران در اولویت برنامه ریزی

های توسعه اقتصادی

درک شأن و اهمیت نقش کارگران توسط مردم و

مسئولین

ادامه حیات شرافتمندانه انقلاب وابسته به کار و

تلاش کارگران

تولید کالاهای با کیفیت و وظیفه کارگران

نقش کارگران در انقلاب اسلامی*

حضور تاریخی کارگران در دو جبهه انقلاب اسلامی

دیدار برادران و خواهران عزیز کارگر و مشاهده‌ی احساسات پُرشور و ایمان آگاهانه‌ی شما، هر کسی را به یاد محبت و رابطه‌ی قلبی و عمیق امام عزیزمان با قشر کارگر زحمتکش - که ستون اصلی تولید در کشور هستند - می‌اندازد.

یکی از ممیزات انقلاب اسلامی ایران این است که کارگران نسبت به انقلاب، وضعیت اختصاصی و استثنایی داشتند. «کارگر» در نظام جمهوری اسلامی، در دو جبهه - که مرجع هر دو یک مبنای بود - چنان حضوری از خود نشان داد که واقعاً تاریخی و به‌یادماندنی است. یکی از این دو جبهه، جبهه‌ی کار و تولید و تلاش، و دیگری جبهه‌ی دفاع از انقلاب بود. کارگر انقلابی و مسلمان ما که در طول ده سال گذشته، در جبهه و سنگر کار، اخلاص و از خودگذشتگی و خستگی‌ناپذیری نشان داد، درست با همان انگیزه عمل می‌کرد که در جبهه‌ی جنگ یا در جبهه‌ی دفاع از انقلاب، از خود ایستادگی نشان می‌داد.

وقتی به جنگ نگاه می‌کنیم، نقش کارگران را در آن بارز و روشن می‌بینیم. من بسیاری از اوقات، در میان این عزیزان بسیجی در جبهه‌های جنگ بوده‌ام. وقتی از آنها سؤال می‌کردید که شما چه کسی هستید و از کجا آمده‌اید و شغل‌تان چیست، می‌دیدید کارگر زحمتکشی است که از شهر و روستا و نقاط دورافتاده‌ی کشور به جبهه آمده است. در اوایل جنگ، وقتی جبهه‌ها ضعیف و خلوت بودند، حضور چند هزار نفری آنها تعیین‌کننده بود و امداد بزرگی را به نیروهای رزمنده می‌رساند.

از قشرهای مختلف در جنگ شرکت می‌کردند؛ لیکن جبهه‌ها عمدتاً از همین طبقه‌ی زحمتکش و کارگر

پُر می‌شد. گاهی کارگری با داشتن خانواده و چند سرعایله، زندگی خود را رها می‌کرد و در جبهه‌ی جنگ حضور می‌یافت. نقش این قشر زحمتکش جامعه، که با جسم و سرپنجه‌ی خود تولید را افزایش می‌دهند و نیازهای مردم را تأمین می‌کنند، در همه‌ی صحنه‌های حضور، چشمگیر و پُر تحرک است. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر این واقعیت شود، مگر این که مطلع نباشد.

ایثارگری کارگران در دفاع مقدس

گاهی در جبهه‌ی دفاع از انقلاب، کارگران ایثارهایی می‌کردند که واقعاً انسان از این همه اخلاص شرمنده می‌شد. مثلاً در بحبوحه‌ی جنگ با خبر می‌شدیم که کارگران کارخانه‌یی، بخشی از حقوق خود را به حساب جنگ واریز کرده‌اند! مگر حقوق یک کارگر چه قدر بود که خود را در هزینه‌های جنگ هم سهمیم می‌دانست؟!

جبهه‌ی کار و تولید نیز همین تحرک را داشت. در ابتدای پیروزی انقلاب، وقتی همه سرگرم کارهای حاد انقلاب بودند و مثل پروانه دور شمع وجود امام عزیز می‌گشتند، در گوشه و کنار کشور، عده‌یی ضدانقلاب و ضد اسلام، در صدد اخلال در کارخانه‌ها و تشکل منسجم کارگران برآمده بودند. این شبکه‌های جاسوسی، مارکسیستهای امریکایی (!) نام داشتند؛ که برای شناخت آنها، هیچ اسمی بهتر از این اصطلاح نبود. این گروه، هر چند ظاهراً چپ عمل می‌کردند، اما باطناً وابسته به استکبار امریکا بودند. تمام همت آنها این بود که نظام و انسجام انقلاب اسلامی را به هم زنند و از طریق سازماندهی و برنامه‌ریزی نیروهایشان، در کارخانه‌ها اخلال کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که ما در آن زمان کاملاً متوجه نقشه‌های آنان شده بودیم.

به خاطر حساسیت اوضاع، روزهای نوزدهم تا بیست و دوم بهمن ماه سال ۵۷ را به اتفاق افراد دیگر در منطقه‌ی کارگری غرب تهران گذراندیم؛ حتی خبر پیروزی انقلاب را از طریق رادیو در همان جا شنیدیم. واقعاً نمی‌دانستیم چه اتفاقی خواهد افتاد. در آن روزها خدای متعال دستان ما را گرفت و ما را در جایی که باید باشیم، برد.

کارگران، قشر آگاه جامعه

کارگرها در جامعه، یک قشر آگاه محسوب می‌شوند. من این قشر را جزو گروه‌های روشنفکر - به معنای عام آن - می‌دانم. در ابتدای پیروزی انقلاب، مارکسیستهای امریکایی (!) سرمایه‌گذاری روی این قشر را شروع کردند. قصد آنها این بود که این دست کارآمد و بازوی قوی را از انقلاب بگیرند، و اگر بتوانند، آن را علیه نظام به کار بندند؛ خیلی هم تبلیغات می‌کردند. اگر قرار بود این تبلیغات مؤثر واقع شود، می‌باید حداقل یکی دو سال اول انقلاب، در واحدهای صنعتی کشور بی‌کاری مزم می‌داشتیم.

در پاسخ به زمینه‌های تبلیغاتی آن روزها، مشّت طبقه‌ی کارگر، چنان به دهان دشمنان اسلام و انقلاب

خورد که آنها را مایوس و گیج کرد و تا مدتی به سراغ این قشر نیامدند. این روحیه در دنیا کم‌نظیر است. حتی در نظامهای کاری که صرفاً به اسم کارگر توجه می‌شود، وفاداری به انقلاب، مثل وفاداری کارگران به جمهوری اسلامی نیست. بنابراین، نقش کارگران در کشور ایران، برجسته و ممتاز است.

🔗 راز ایستادگی و اقتدار انقلاب اسلامی

سعی همه‌ی ما باید این باشد که خدا را از خود راضی کنیم. اصلاً برجستگی انقلاب ما به همین نکته است. نظامی که همه‌ی قدرتهای بزرگ دنیا و ناتو و مرتجعان منطقه علیه او صف‌آرایی و کارشکنی کرده بودند و قصد نابودیش را داشتند، امروز بحمدالله قویتر و ریشه‌دارتر از گذشته، پابرجا مانده و دشمنانش را به اعتراف واداشته است. هر نظام دیگری به جای جمهوری اسلامی بود، با این همه دشمنی و درگیری، یا از بین رفته بود، و یا در تاریخ فراموش شده بود.

ما از اصول خود دست نکشیدیم و همان حرف حق قوی را که روز اول زدیم، تا آخر زدیم و به فضل پروردگار تا قطره‌ی خونی در رگها و نفسی در کالبد داریم، آن را خواهیم گفت. راز ایستادگی و اقتدار این نظام این است که احاد آن با خدا رابطه‌ی قلبی و اعتقادی و پیوند ولایتی دارند. مردم ایران ثابت کردند که دشمن نمی‌تواند به آنها طمع ورزد؛ علتش همین ایمان به خدا و کار برای رضای اوست.

🔗 عامل اصلی پیوند و همبستگی بین ملت ایران و دیگر ملتها

در کشورهای گوناگون دنیا، به اسم شما و انقلاب شعار می‌دهند. ما تا چه اندازه توانسته‌ایم با مسلمانهای اروپا و آفریقا و خاورمیانه و شرق آسیا و دیگر کشورهای دنیا رابطه برقرار کنیم که این‌گونه در ضایعه‌ی مصیبت‌بار امام عزیزمان با ما همدردی کردند؟ هیأت ایرانی که به یکی از کشورها رفته بود، مردم آن‌جا دست به گردنشان می‌انداختند و گریه می‌کردند. آیا ما این رابطه را به وجود آوردیم؟ خیر، این رابطه‌ی معنوی و عاطفی و پیوند قلبی را خدا به وجود آورده است.

در قرآن کریم، خطاب به رسول گرامی می‌فرماید: «لوانفقت ما فی الارض جميعا ما لآلفت بین قلوبهم»؛ اگر همه‌ی پولهای دنیا را هم خرج می‌کردی، نمی‌توانستی این قدر دلها را به هم نزدیک کنی. پول نفت که چیزی نیست، در آمد ارزی کشور که به حساب نمی‌آید؛ اگر تمام پولهای دنیا را هم خرج تبلیغات و عوامل تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی و احزاب سیاسی می‌کردیم، نمی‌توانستیم این پیوند عاطفی و قلبی را که امروز از آن بهره‌مندیم، ایجاد کنیم. بنابراین، ارتباط با خداوند متعال، عامل اصلی این پیوند و همبستگی است.

الحمدلله انقلاب اسلامی ده سال از دشوارترین راهها را به خاطر داشتن همین روحیه پشت سر گذاشت. من نسبت به همه‌ی مسایل جاری کشور آگاهم و می‌دانم که دشمن چه مشکلاتی را به وجود آورده و چه سختگیریها و خباثتهایی را اعمال کرده است. شاید بسیاری از چیزهایی که ما می‌دانیم، مردم آنها را ندانند

و مطلع نباشند که دشمن چه کارهایی کرده و چه طرحهای عمل نشده‌بی داشته است.

🌟 عملکرد حیرت آور انقلاب اسلامی در ده سال اول عمر خود

در حال حاضر که من به پشت سر نگاه می‌کنم و عملکرد این ده سال را می‌بینم، حقیقتاً حیرت می‌کنم که ما از چه راههایی عبور کرده‌ایم و با چه دره‌ها و پرتگاههای سختی مواجه بوده‌ایم. خدایا! لحظه به لحظه بر آن روح پاک، نور و رحمت ببار. چه معجزه‌یی نشان داد، و چه قدر دست او قوی و دلش پُر ظرفیت بود.

در سخت‌ترین مراحل، به مردم اطمینان فراوان داشت. در یکی از پیامهای خود به مردم فرمود: من شما را خوب می‌شناسم، شما هم من را خوب شناختید. واقعاً این گونه بود. امام این مردم را خوب شناخته بود و به صفا و وفا و غیرت و شجاعت و صداقتشان واقف بود؛ مردم هم حقاً و انصافاً امامشان را خوب شناخته بودند و پاسخ مناسب به او می‌دادند.

ما در این ده سال و نیم تقریباً در سخت‌ترین شرایط حرکت کردیم و سخت‌ترین گذرگاهها را پشت سر گذاشتیم. نمی‌گویم همه چیز تمام شده و دشمن ما را رها کرده است؛ خیر، دشمن که از خیانت خود دست برنمی‌دارد؛ می‌خواهم بگویم که بخش سخت‌تر راه را طی کرده‌ایم و بخش آسانتر و راحت‌تر آن پیش روی ماست.

یقیناً تحلیل‌گرهای دنیا برای سال دهم و یازدهم انقلاب اسلامی، چنین وضعی را - آن هم با فقدان امام (ره) - پیش‌بینی نمی‌کردند؛ بلکه برعکس، استراتژیستهای سیاسی امریکا و اروپا، برای امروز ما وضعیت سیاهی را ترسیم می‌کردند. آنها فکر نمی‌کردند در چنین روزی، تا این اندازه با هم متحد باشیم و با قضایای پیش آمده، برخوردی قوی کنیم. تصور نمی‌کردند که این ملت بتواند خودش را با سرعت بازیابی کند و تصمیم لازم را بگیرد و راهش را ادامه دهد. پس، وضعیت ما از آنچه که در محاسبات دشمنان و حتی دوستانمان بود، خیلی بهتر است.

کسب این موفقیت و سربلندی، پاداش الهی به مجاهدتهای شما ملت وفادار است؛ «والَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۲: کسانی که در راه خدا مجاهدت و تلاش می‌کنند، خدا به آنها راه را نشان می‌دهد و در کنار نیکوکاران می‌ماند. ملت ما نیکوکاری کرد، خدا هم با اوست.

🌟 روشی که انقلاب را میتوان تا ده‌ها سال بعد پیش برد

بعد از این مرحله، وظیفه‌ی ما این است که حفاظت و سلامت انقلاب و رشد روزافزون نظام جمهوری اسلامی و ریشه دواندن هر چه بیشتر این نظام را، با کار مخلصانه و وحدت کلمه و داشتن ارتباط و پیوند قلبی با خدا و اتکای به نفس تضمین کنیم. با این روش، ما تا ده‌ها سال دیگر به فضل پروردگار خواهیم توانست انقلاب را به پیش ببریم.

ما در اصل، انقلابمان را بر پایه‌ی شکست سیطره‌ی زورگوهای دنیا پایه‌گذاری کرده‌ایم. اگر بتوانیم - که به فضل پروردگار می‌توانیم - راهمان را همان‌طور که در این ده سال طی کردیم، ادامه دهیم و قوی و هوشمند و باصفا و اخلاص حرکت کنیم، دندان همه‌ی زورگوها و قلدرهای دنیا، با مشتهای پولادین این ملت شکسته خواهد شد.

❏ قرار گرفتن کارگران در اولویت برنامه ریزی های توسعه اقتصادی

شما کارگرها نقش مهمی در کشور دارید. بار اصلی تولید روی دوش شماست. قطعاً یکی از وظایف عمده‌ی نظام جمهوری اسلامی این است که این قشر زحمتکش - که بزرگترین حق را در تولید و اداره‌ی اقتصاد کشور دارد - از حق مشروع انسانی و اسلامی خودش برخوردار شود. باید وضع زندگی کارگران از لحاظ مادی و معنوی بهبود پیدا کند. با اجرای قوانین مناسب و توسعه‌ی اشتغال، نباید در جامعه‌ی ما مستمند وجود داشته باشد. کارگران که جزو قشرهای مستضعف جامعه هستند، باید در اولویت برنامه‌ریزیهای توسعه‌ی اقتصادی قرار گیرند. اگر کارگر تأمین بود و نیازهایش برآورده شد، کار بهتر انجام می‌گیرد. تکلیف الهی ما و مقتضای عدالت اسلامی این است که همه‌ی افراد جامعه - از هر قشری - برخورداریهایی لازم و مناسب شأن انسانی یک مؤمن را داشته باشند و تبعیضها و بهره‌مندیهای ناحقی که در جوامع فاسد دنیا وجود دارد و در جامعه‌ی قبل از انقلاب ما نیز به بدترین شکل وجود داشت و هنوز بقایای آن بکلی از بین نرفته است، برچیده شود.

❏ درک شأن و اهمیت نقش کارگران توسط مردم و مسئولین

از جنبه‌ی معنوی نیز کارگر باید احساس کند که بار سنگینی را بر دوش دارد. مسؤولان و مردم باید شأن و اهمیت نقش او را درک کنند و بدانند که کارگر شأن معنوی و انسانی بالایی در جامعه دارد. در نظام ارزشی اسلام، پولدار بودن اصلاً ارزش نیست؛ حتی بسیاری از خصوصیات نفسانی، جزو ارزشها به حساب نمی‌آید؛ اما کارگر بودن - ولو برای خودش کار کند - یک ارزش است، و اگر کار انجام شده، در پیشبرد زندگی جامعه مؤثر باشد، ارزش آن مضاعف خواهد شد؛ به همین خاطر، رسول اکرم (ص) دست کارگر را بوسید. دست کارگر بوسیدن، امتیاز مادی برای کارگر محسوب نمی‌شود؛ اما برای او یک امتیاز معنوی است؛ زیرا شأن کارگر را در جامعه بالا می‌برد.

❏ ادامه حیات شرافتمندانه انقلاب وابسته به کار و تلاش کارگران

شما کارگران باید توجه داشته باشید که ادامه‌ی حیات شرافتمندانه‌ی ملت عزیز ایران و حفظ و تداوم شعارها و مواضع باارزش نظام جمهوری اسلامی در مقابل قلدرهای عالم و استکبار جهانی، با کار و تلاش شما میسر است. بایستی این کار را مخلصانه و دلسوزانه و خوب انجام دهید. البته باید مسؤولان دولتی

سعی کنند مواد اولیه را برای شما تأمین کنند، تا کار خانجات با همه‌ی ظرفیت و توان خود کار کنند و واحدهای تولیدی جدیدی به وجود آید و نیروهای کار جذب این مراکز شوند.

تولید کالاهای با کیفیت و وظیفه کارگران

کارگرها باید این میدان را پیدا کنند که کار خودشان را در خدمت نظام و رونق و حرکت اقتصادی مردم قرار دهند و به بهترین وجه به تولید کالاهای با کیفیت بپردازند. از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه»^۳؛ یعنی رحمت خدا بر آن آدمی که کار را با محکم کاری انجام دهد. شما باید کار خود را به بهترین وجه عرضه کنید. بدانید که تلاش شما پیش خدا محفوظ است؛ حال آن کار فرمای دولتی و غیر دولتی، تلاش شما را درک نکنند یا نکند و پاداش مناسب را بدهد یا ندهد. البته باید تلاش شما را درک کنند و متناسب با آن پاداش بدهند. نفس این محکم کاری، مطلوب خدای متعال است و ما باید این ارزش را در نظر داشته باشیم.

توصیه‌ی آخر من این است که کوشش کنید وحدت را در سطح عموم مردم حفظ کنید. اگر اسلام روی بعضی از قشرها تکیه می‌کند و برای آنها احترام خاصی قایل است - مثل معلمان و عالمان دین و کارگرها و کشاورزها و ... - به آن معنا نیست که اسلام قشرگرایی می‌کند؛ خیر، اسلام با طبقه‌گرایی و قشربازی مخالف است. مؤمنین در تمام خانواده‌ی بزرگ اسلامی با هم برادرند و پیوند آنها، پیوند برادری است. همه‌ی آحاد مردم بایستی این پیوند را در سطح بزرگ جامعه‌ی خودمان، و پس از آن در سطح وسیع امت اسلامی حفظ کنند.

ارزش کار در جمهوری اسلامی

❁ کارگران و معلمان، جزو سنگ بنای اساسی انقلاب
❁ استقلال ملت و کشور در گرو تلاش و زحمت کارگران
❁ ظلمتی که خاندان پهلوی وقا جار به ملت تحمیل کردند
❁ هر کس که در جمهوری اسلامی مشغول به کار
است بداند...
❁ منطق اسلام نسبت به کار و تلاش
❁ ثبت عبادت برای کسانی که برای نظام اسلامی
کار می کنند

✿ کارگران و معلمان، جزو سنگ بنای اساسی انقلاب

و اما راجع به معلمان و کارگران. با یک نظر، ما هر دو قشر را به یک صورت، در صحنه و در خدمت مشاهده می‌کنیم. خصوصیت این دو قشر آن است که وجود و حیات آنها جزو پایه‌های اصلی انقلاب است. اگر شما می‌بینید که نبی مکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) دست کارگری را در دست مبارک خودشان گرفتند، او را لمس کردند، بعد سرشان را پایین آوردند و دست آن کارگر را به لبهای مبارکشان رساندند و آن را بوسیدند؛ یا اگر می‌بینید که امیر مؤمنان و مولای متقیان و بزرگترین قلب و زبان در یادلِ پُر معرفتِ متصل به وحی الهی بعد از پیامبر، می‌فرماید که «من علّمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً» - هر کس به من چیزی درس بدهد و بیاموزد، من را غلام خودش کرده است - این عمل از پیامبر و این بیان از امیرالمؤمنین بی‌خود نیست؛ نمی‌خواستند با کسی تعارف کنند. این عمل و این بیان، مثل همه‌ی اعمال و بیانات آنان، برای ما درس است؛ هم برای خود کارگر، هم برای خود معلم، هم برای بقیه‌ی مردم، تا کارگر و معلم بدانند که آنها جزو سنگهای اساسی این بنا هستند؛ قدر خودشان را بشناسند و بفهمند که وجود آنها چه قدر در سرنوشت یک ملت مؤثر است.

✿ استقلال ملت و کشور در گرو تلاش و زحمت کارگران

امروز اگر کارگر ایرانی با همه‌ی وجود، با وجدان کار، با احساس مسئولیت، با ابتکار و خلاقیت، و با احساس این که ثوابی را بجا می‌آورد، کار بکند - که می‌کند - و نتیجه‌ی آن را در اختیار ملت خود قرار

بدهد، ما به آن هدفی که از اول اعلام کردیم - یعنی هدف «نه شرقی و نه غربی»، که معنایش عدم وابستگی به قدرتهاست - خواهیم رسید؛ و الا این طور نخواهد شد.

پس ببینید، یک شعار بزرگ انقلاب، یعنی استقلال ملت و کشور - که دشمنان ما در دنیا با همین مخالفند - بسته به وجود کارگر و تلاش و زحمت زحمتکشان این قشر و احساس حسنه در آنهاست. کارگر باید احساس کند که «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها»^۱. یعنی هر کس کار حسنه‌ی انجام بدهد، خدای متعال ده برابر به او اجر می‌دهد. این کار، همان حسنه است. یا معلم احساس کند که اگر ما گفتیم ایرانی مسلمان باید بر روی پای خود بایستد، یعنی این رشته‌های بردگی را که در طول دو، سه قرن به گردن و دست و پای او بستند، باز کند و این فرهنگ غلط استعماری را که می‌گفتند: «ایرانی نمی‌تواند کار بکند»، از بین ببرد.

🔗 ظلتی که خاندان پهلوی و قاجار به ملت تحمیل کردند

آن روزی که می‌خواستند نفت را در این مملکت ملی کنند، یکی از رجال پهلوی گفت: «ایرانی نمی‌تواند یک لوله‌نگ بسازد، چه‌طور می‌خواهد نفت را اداره کند؟!» این، همان فرهنگی است که خود استعمارگران به ملت‌های مسلمان و استعمارزده و به ملت ما تلقین و القا کردند که از شما کاری بر نمی‌آید؛ صنعتتان را هم باید ما درست کنیم، کشاورزیتان را هم باید ما اصلاح کنیم، برای مدارستان هم باید ما برنامه‌ریزی کنیم، دولتتان را هم باید ما بگردانیم!

ذلتی که خاندان پهلوی (لعنة الله عليهم) و خاندان قاجار (لعنة الله عليهم) بر سر این مملکت آوردند و بر این ملت تحمیل کردند، ما را صد سال عقب انداختند. اگر بخواهیم این ذلت برداشته شود و این استعداد درخشان ایرانی در اختیار مصالح و منافع ایران و اسلام قرار بگیرد، آیا جز با تربیت نیروی انسانی کار آمد، امکانپذیر است؟ چه کسی این تربیت را خواهد کرد؟ این سنگ علی‌الظاهر تیره، یا این فلز علی‌الظاهر گرفته را چه کسی خواهد تراشید و صیقل خواهد داد، تا به تیغ برنده‌ی تبدیل بشود و همه کار انجام بدهد؟ معلم. این، نقش معلم است.

🔗 هر کس که در جمهوری اسلامی مشغول به کار است بداند...

هر کس که در جمهوری اسلامی مشغول کار است - به معنای اعم کار: کار فرهنگی، کار اقتصادی و کار خدماتی صحیح و مفید - باید بداند که حسنه انجام می‌دهد و برای خدا کار می‌کند، پس عمرش به بیهودگی تلف نشده است. شما یک روز که کار کنید، یک روز در دیوان الهی ذخیره کرده‌اید، یک روز به ملت فایده بخشیده‌اید، و یک روز به سیر تکاملی جامعه مدد رسانده‌اید. این، فرهنگ اسلام است؛ نه آن که متأسفانه در بعضی از برنامه‌های هنری و رادیو و تلویزیون ما، انسان می‌بیند که کسی بعد از سی سال کار، احساس می‌کند که کارش به هدر رفته و عمرش تلف شده است! این فرهنگ، فرهنگ اسلامی و قرآنی

نیست. اگر سی سال درست کار کردید، سی سال این جامعه را جلو برده‌اید و سی سال پیش خدا ذخیره کرده‌اید. اگر درست کار کردید، سی سال خودتان جلو رفته‌اید. این، فرهنگ قرآنی و اسلامی است. همین فرهنگ باید در هنر ما هم منعکس بشود. این مفاهیم باید در نمایشنامه‌ها، فیلم‌ها، سینما، تلویزیون و رادیوی ما انعکاس یابد.

منطق اسلام نسبت به کار و تلاش

من نمی‌دانم این دستگاه رسمی هنری ما، کی می‌خواهد با اعماق تفکر اسلامی آشنا بشود. می‌نویسند، غلط! اجرا می‌کنند، غلط! در قالب‌های هنری حرف می‌زنند، غلط! چرا؟! منطق اسلام این‌طور نیست. اسلام می‌گوید، شما کارگر که خوب و با وجدان و با نیت حسن کار می‌کنید، شما معلم که برای احساس مسؤولیت درس می‌دهید، شما کارمند که برای پیشبرد جامعه و گشودن گره‌های جامعه کار می‌کنید، هر یک ساعت کارتان، ذخیره و حسنه‌یی در پیش پروردگار است؛ هر یک ساعت کارتان، این ملت را یک ساعت جلو می‌برد. انسان از چنین کاری، دیگر خستگی و کسالت پیدا نمی‌کند.

ثبت عبادت برای کسانی که برای نظام اسلامی کار می‌کنند

معلمان، کارگران کارخانه‌ها و مزارع، صنعتگران، محققان، کارمندان دستگاه‌های اجرایی، مدافعان از حریم امنیت کشور، و هر کسی که در هر نقطه‌یی از این کشور اسلامی مشغول چنین کاری است، باید بداند که در حال عبادت است. نکته‌ی مهم این است که مسافر وقتی در منزل بین راه برای گذراندن یک مرحله فرود می‌آید، اگر احساس بکند که دیگر کارش تمام شده، این مسافر در راه مانده است؛ این را در یاد داشته باشید.

امروز کار، یک فضیلت، ارزش و یک عبادت و مبارزه است

- ❁ کار، یک ارزش و فضیلت اسلامی
- ❁ در دنیای امروز، کار یک مبارزه است
- ❁ استفاده دشمن از شعارهای دروغین برای تعطیلی کارخانه ها
- ❁ کار را به عنوان یک امر تحمیلی نباید تلقی کرد

امروز کار، یک فضیلت، ارزش و یک عبادت و مبارزه است*

🕌 کار، یک ارزش و فضیلت اسلامی

در مورد کارگران، نکته‌ای که لازم است عرض کنم این است که کار، یک ارزش و یک فضیلت اسلامی است. فقط این نیست که کسی که کار می‌کند، سازندگی و تولید می‌کند - چه تولید صنعتی و فنی، چه تولید کشاورزی و چه هرگونه تولیدی که برای جامعه به نحوی مفید و سازنده است - و شغلی را انجام می‌دهد تا نانی بخورد؛ بلکه هر کارگر تولیدکننده، در حال زنده کردن و مجسم کردن یک فضیلت اسلامی است. کار، فضیلت و ارزش است. با بیان دیگری می‌توانیم عرض کنیم که نظام اسلامی و میهن عزیز ما، در طول سالهای بعد از انقلاب تا امروز، با دشمنان روبه‌رو و سینه به سینه بوده است. این، حقیقت واضحی است که در طول سالهای متمادی تا امروز، دشمنان اسلام و ایران و دشمنان فضیلت و درستی، هیچ فرصتی را برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی و به ایران عزیز و به ملت ایران از دست ندادند. البته غالباً شکست خورده‌اند؛ اما خباثت و نیت سوء خودشان را نشان داده‌اند. گرچه در بسیاری از موارد، کاری از پیش نبرده‌اند. پس محیط ایران اسلامی، محیط تلاش برای مقابله با دشمنان است.

🕌 در دنیای امروز، کار یک مبارزه است

دنیای امروز دنیای مبارزه است. هر کس که در مقابله با گرگهای آدمی خوار، دفاع و مبارزه نکند، کارش ساخته است. هر ملتی که با دشمنان و جهانخواران، مقابله نکند، از بین رفته است؛ همچنان که نمونه‌های واضحش را در دنیا می‌بینیم. در این میدان عظیم مبارزه جهادی و مبارزه اسلامی، کار، یک مبارزه است.

شما که کارگر هستید، در هر کارخانه، در هر مزرعه و یاد هر نقطه که مشغول کاری هستید، این کار، کشور شما را از دشمنان و بیگانگان بی نیاز، و به آبادانی کشور و آسایش مردم کمک می کند. شما در حال مبارزه اید و این مبارزه بسیار مؤثری ست.

استفاده دشمن از شعارهای دروغین برای تعطیلی کارخانه ها

اگر در دوران جنگ، مبارزه کارگران در دستگاه های تولیدی و در صف تولید نبود، ما در جنگ وضع بدی پیدا می کردیم. لذا شما مشاهده کرده اید که در طول این دوران - بخصوص در اوایل پیروزی انقلاب - دشمنان تلاش می کردند کارخانه ها یا مزارع را از کار تولیدی محروم کنند. شاید یادتان باشد که آن اوایل، چقدر شب نامه منتشر می شد و چقدر برای تعطیل کردن کارخانه ها تلاش و تبلیغات می کردند. البته دشمن که نمی گوید «من می خواهم کارخانه تعطیل شود تا اسلام شکست بخورد». این را که صریحاً اعتراف نمی کند. دشمن که نمی گوید «من می خواهم کارخانه ها تعطیل شود تا ایران محتاج بماند». دشمن روی اقدامات خود، اسمی می گذارد که نیت پلیدش را مکتوم و پنهان بدارد.

به عنوان «حق کارگر»، به عنوان «گرفتن حقوق محرومین» و از این قبیل، شعارهای دروغین درست می کردند تا کارخانه های ما را به تعطیل بکشانند. این تلاش را چه کسی جواب داد؟ این تلاش را چه کسی خنثی کرد و چه کسی بر دهان دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی زد؟ همین طبقه کارگر. همین دستهای کارگران ما که با دلهای مؤمن حرکت می کردند. وقتی دست کار آمد، با دل مؤمن همراه و همنا باشد، آن وقت کارها کیفیت پیدا می کند. من می خواهم عرض کنم: کارگران کشور، در هر نقطه که مشغول کار سازنده ای برای آبادانی کشور هستید، بدانند که مشغول مبارزه اند. این مبارزه را هر چه می توانید با کیفیت بهتر و محکم تر انجام دهید.

کار را به عنوان یک امر تحمیلی نباید تلقی کرد

این حدیث را مکرر عرض کرده ام که فرمود: «رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه»^۱. خداوند رحمت کند کارگر و کسی را که کاری انجام دهد، و خوب و محکم انجام دهد. کارگر مسلمان باید کارش را بالاتر و بهتر از معیارها و حدود و استانداردهای کار اجرا کند و تحویل دهد. این، فرهنگ و دستور اسلامی است. این روزها - که روزهای بزرگداشت کارگران است - عرضم این است که هم خود کارگران، هم مسؤولین نظام کاری کشور و هم نویسندگان، باید روی این نکته تکیه کنند که امروز کار، یک فضیلت و ارزش و یک عبادت و مبارزه است. کار را به عنوان اسقاط تکلیف نباید انجام داد، که به خود بقبولانیم «حالا کاری انجام دهیم و مسأله از سرمان باز شود!» کار را به عنوان یک امر تحمیلی نباید تلقی کرد. کار به عنوان مقوله ای «فقط نان در آور» نباید تلقی شود. کارگر با کار خود، علاوه بر این که زندگی خودش را تأمین می کند، زندگی جامعه را نیز تأمین می کند. و این، یک عبادت بزرگ و عمل الهی ست.

علم و کار، دو بال برای ملت است

❁ وابستگی دنیا و آخرت هر امت به علم و عمل
❁ ملت ایران از اعماق دل به دو سلسله پادشاهی
لعنت بفرستد

❁ تلاش زیاد بعد از انقلاب در زمینه علم و کار
❁ دستاوردهای فراهم کردن علم و کار:

❁ ۱- ثواب الهی

❁ ۲- سهیم شدن در بنای آینده جامعه

❁ شرط تسلط پیدا نکردن آمریکا بر ملت ها

❁ علت برقرار نکردن رابطه اقتصادی با استکبار

❁ محدودیت های ما در دوران دفاع مقدس

❁ پیشرفت کشور به برکت تحریم ها

❁ باید وجدان کاری فرهنگ عمومی شود

❁ تلاش و برنامه ریزی برای حفظ عزت ملی

❁ کنندگان واقعی کار در کشور

علم و کار، دو بال برای ملت است*

🕌 وابستگی دنیا و آخرت هر امت به علم و عمل

شاید در بین روزهایی که در جمهوری اسلامی نام و عنوانی پیدا کرده است، هیچ روزی مثل این روز نباشد؛ چون دو عنوان خیلی مهم، حسّاس، کارآمد و خیلی عزیز، با هم در این روز مجتمع شده است. یکی عنوان علم و دیگری عنوان کار است. هم روز علم است و هم روز کار. واقعاً هم اگر درست نگاه کنیم، دنیا و آخرت هر امت، جمعیت و همچنین هر فردی، به این دو چیز بستگی دارد. هر کدام بدون دیگری، خاصیت کامل خود را ندارد. علم بی کار، همان علم بی عمل است. «العالم بلا عمل، كالشجر بلا ثمر.» (۱) درختی روییده است؛ مظهر قدرت الهی است؛ اما میوه ندارد. از آن طرف هم «المتعبّد بلا علم كحمار الطاحونة.» (۲) وقتی کسی بدون علم کار کند، اگر چه آن کار عبادت خدا باشد، باز هم فایده‌ای ندارد. مثل حرکت دَوْرانی: کسی بدون پیشرفت، دور خودش چرخ می‌خورد. کشور، هم به علم و هم به کار احتیاج دارد. خدای متعال هم، هر دوی اینها را حسنه قرار داده و برای آنها اجر و ثواب معین کرده است.

🕌 ملت ایران از اعماق دل به دو سلسله پادشاهی لعنت بفرستد

خوب؛ وقتی که ما از علم تعریف می‌کنیم، این در واقع تعریف از معلّم است. چرا؟ چون اوست که علم را به دیگران می‌بخشد. اگر معلّم نباشد، علم به دست نمی‌آید: «هر که چیزی یاد گیرد، باید از استاد گیرد.» علم بدون معلّم، معنی ندارد. کار نیز همین‌طور است. هر کس از کار تعریف کند، از کارگر تعریف کرده است؛ چون کار بدون کارگر، معنی ندارد. درست توجّه کنید، ببینید این مفاهیم چقدر به هم مرتبط

است! علم و کار برای یک ملت، دو بال است. ملت بی علم و بی کار، پیش نخواهد رفت. بنده، بدین خاطر، بارها عرض کرده‌ام که ملت ایران باید از اعماق دل به دو سلسله پادشاهی پهلوی و قاجار، لعنت بفرستد که این دو سلسله خبیث، دو بال مملکت و پیکره عظیم این ملت کهن، با هوش و با استعداد را بردیدند. نه علم و نه کار، هیچ کدام را برای این ملت فراهم نکردند. کاری که بود، کارهای بی ارزش یا کم ارزش بود. علمی که بود، علم تقلیدی و دست دوم بود. آن کاری را که از دل می جوشد و حقیقتاً پوشش و حلیه حیات می بخشد و کارهای اساسی در مملکت صورت می دهد، ترویج نکردند. هر چه توانستند، قلع و قمع هم کردند و بساط علمی را که از دل می جوشد و در آن ابتکار هست، برچیدند. آن خاندانها این جرائم را دارند. نتیجه این شد که ملت ایران که در مسابقه علم و پیشرفت تمدن و دانش و تجربه، یا از دیگران جلوتر بود با اقل کسری نداشت، سالها عقب ماند. حال ما باید تلاش و کوشش کنیم که بالاخره گلیم خودمان را از آب بیرون بیاوریم. ان شاء الله به همت شما مردم، این کار را خواهیم کرد؛ که نشانه هایش الان هم پیدا است. اول خانواده قاجار - از ناصرالدین شاه به بعد - بعدش هم خانواده پهلوی - این پدر و پسر - حقیقتاً چوب حراج به موجودی این ملت و کشور و سرمایه های معنوی اش زدند. «تلك امّة قدخلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم.»^۱ آنها رفتند و سر و کارشان با خداست. سزای اعمالشان را هم می بینند.

🔗 تلاش زیاد بعد از انقلاب در زمینه علم و کار

حالا نوبت من و شماست. «و لكم ما كسبتم.» البته از اول انقلاب تا امروز، حقاً و انصافاً، در زمینه علم و کار، خیلی تلاش شده است. اگر کسی این را انکار کند، مثل این است که بگوید «لان به چه دلیل روز است؟» این قدر واضح است. اگر کسی به سطح کشور نگاه کند، افزایش دانش آموز، معلم، استاد، متخصص، دانشجو و کارگاههای فراوان، کار کشاورزی، صنعتی، کارهای دقیق و برجسته، ابتکارها و اختراعات زیادی می بیند که در این پانزده سال، اسلام برای این ملت آورده است. من و ما هم نمی توانیم بگوییم «این کارها را ما کردیم.» این دستاوردها، مال اسلام است. خاصیت ایمان، خاصیت حضور مردم و مردمی بودن حکومت است.

🔗 دستاوردهای فراهم کردن علم و کار:

🔗 ۱- ثواب الهی

خوب؛ یک مسأله این است که آیا علم و کار، یا به تعبیر دیگر، معلّمی و کارگری، مثل کاسبیهای دیگر، فقط برای نان درآوردن است؟ جواب این است که: نه! معلّمی و کارگری، اگر هم برای افراد، وسیله نان درآوردن است، اما با معلّمی و کارگری، چیزهایی را می شود به دست آورد که حتی از نان هم بالاتر است. یکی از آن چیزها، اجر الهی است. باور کنید معلّمی، ثواب دارد. کارگری، ثواب دارد. شما وقتی که پشت

دستگاه ایستاده‌اید و کاری را انجام می‌دهید، یا در مزرعه کار کشاورزی‌تان را انجام می‌دهید، یا در اتاق طراحی نشسته‌اید و طرح یک کار یا کالایی را آماده می‌کنید، یا به کلاس درس رفته‌اید و می‌خواهید با عده‌ای دانش‌آموز، پنجاه دقیقه سر و کله بزنید، یا مقدمات کار معلم را فراهم می‌کنید - مثلاً مطالعه یا تهیه کتاب - بدانید که عبادت می‌کنید. این، خیلی مهم است. چیزی که بعد از دروازه مرگ - که همه باید از آن عبور کنند - گیر من و شما می‌آید، آن پنج سیر خوراکی که روزانه برای خودمان یا زن و بچه مان فراهم کرده‌ایم، نیست. آنچه که آن جا به درد ما می‌خورد، عمل صالح است. «والَّذین امنوا و عملوا الصالحات.» ببینید در قرآن چقدر این تعبیر «ایمان» و «عمل صالح» تکرار شده است!

یکی از این عملهای صالح، همین است که شما در کلاس، درس بگویید، یا در کارگاه و مزرعه، کار کنید. پراکندن علم و فراهم کردن کار هم مثل نماز و خواندن قرآن، عبادت است. این، چیز کمی نیست. چرا خدای متعال یاد دادن و کار کردن را برای بشر موجب ثواب قرار داده است؟ العیاذ بالله، کارهای خدا که گزاف نیست! این، بدین خاطر است که آن کمالی که خدای متعال می‌خواهد بشر در دوران زندگی به آن نائل شود، از جمله به علم و کار بستگی دارد. جامعه و مردم بی‌کار، یا کم‌کار، بد کار، بی‌علم و بی‌سواد، نمی‌توانند آنچنان که باید، خودشان را به مراحل کمال بشری برسانند. زندگی دنیایشان هدر خواهد رفت. در علم کامل و شامل حق متعال عزوجل، این معنا روشن است. لذا گفته است: «اگر کار کنید، ثواب می‌برید.» هر چه کار مفیدتر و بهتر باشد، ثواب آن بیشتر است. علمی که یاد می‌دهید، هر چه مفیدتر باشد، ثواب آن بیشتر است. این طور نیست که اگر قرآن و علوم دینی را یاد دادید، ثواب داشته باشد، اما یاد دادن جبر، مثلثات، فیزیک و هندسه، ثواب نداشته باشد. شما سر کلاس، درس می‌دهید و بچه‌های مردم را عالم می‌کنید. هر درسی که می‌تواند یک انسان را عالم، دانشمند و مفید برای جامعه کند، یاد دادن آن ثواب دارد. این، منطق اسلام است. پس، یک دستاورد، ثواب الهی است.

۲- سهم شدن در بنای آینده جامعه

یکی دیگر از دستاوردهای کار و تعلیم، این است که شما در بنای آینده جامعه‌تان سهم می‌شوید. این، خیلی مهم است. تمام دعوای دنیا در امروز و دیروز، بر سر یک کلمه است و آن این که، قدرتهای استکباری می‌خواهند سرنوشت ملت‌ها را در دست گیرند. این امریکا که می‌بینید این قدر امروز در دنیا جنجال و هیاهو و غوغا برپا می‌کند - که غالباً هم بی‌فایده و بی‌ثمر و پوچ است - برای این است که برای خودش حق ابرقدرتی قائل است و می‌خواهد اختیار و سرنوشت دنیا در دست او باشد.

شرط تسلط پیدا نکردن آمریکا بر ملت‌ها

فلان کس چرا فلان معامله را کرد؟ فلان دولت چرا به فلان دولت فلان چیز را فروخت؟ فلان کشور چرا فلان مسأله مورد علاقه امریکا را رد کرد یا مسأله غیر مورد علاقه امریکا را تأیید کرد؟... همه این

حرفها برای دخالت در امور دنیاست. آیا می‌توانند سرنوشت دنیا را در دست گیرند؟ عده‌ای می‌گویند: «می‌توانند.» آن عده، ملت‌های ضعیف، ناتوان و سردمداران سست عنصر بعضی از کشورها هستند. اما نیروهای پرشور، با هیجان و متحمس می‌گویند: «امریکا غلط کرده است! مگر می‌تواند سرنوشت دنیا را در دست گیرد!» بنده چه عرض می‌کنم؟ من می‌گویم که به یک شرط نمی‌تواند، به یک شرط می‌تواند. اگر آن ملتی که طرف امریکاست، دارای عزم و اراده سیاسی و زنده، با نشاط، اهل کار، تلاش و جدیت باشد، امریکا نمی‌تواند؛ اما اگر ملتی اهل کار، تلاش و نشاط نباشد، باز هم امریکا نمی‌تواند تسلط پیدا کند؟! چرا؟ می‌تواند. این همه که بر کشورها تسلط پیدا کردند، برای چه بود؟ اگر سردمداران کشوری اهل معامله با امریکا باشند و مردم آن کشور هم افراد بی‌هوش و حواس بی‌کاره‌ای باشند، می‌تواند. اگر دولتی اهل معامله و مذاکره با امریکا نباشد؛ اما مردمش تنبل باشند، این جا هم امریکا می‌تواند تسلط پیدا کند. چرا؟ برای این که آن دولت، مستأصل می‌شود. مردمی که کار نکنند، مردمی که ابتکار نداشته باشند، مردمی که خود را موظف به اداره کشور و تولید نیازهای خودشان ندانند، مردمی که فقط مصرف را بلد باشند و تولید را بلد نباشند، کشور و کسانی را که در رأس کارند در وضعیتی بدی قرار خواهند داد. ملتی می‌تواند در مقابل پروها، پرتوقعها، گردنه بگیرها و زیاده‌طلبهای دنیا - مثل امریکا - بایستد و مقاومت و از حق خود دفاع کند، که بگوید: «آقا! ما خودمان، خودمان را اداره می‌کنیم.»

🔸 علت برقرار نکردن رابطه اقتصادی با استکبار

اگر دشمن بگوید به شما فلان چیز را نمی‌فروشیم، بگوید: خوب؛ بهتر! نفروشید. شما که به ما بفروشید، ما تنبل می‌شویم و خودمان تولید نمی‌کنیم. می‌گوییم «آقا؛ بسته‌بندی شده می‌آید.» شما که به ما مجانی بدهید، پول هم از ما نگیرید، به ما خیانت کرده‌اید. اگر شما در داد و ستد را با ما ببندید و بُنجله‌های خودتان را به طرف مملکت ما سرازیر نکنید، به نفع ماست. برای این که ما روحیه کار، نشاط، تلاش و تولید پیدا خواهیم کرد. باور کنید روزی که این مردک ساده دل بی‌تجربه خام اعلام کرده است که می‌خواهد روابط اقتصادی امریکا را با ایران ممنوع کند (بعد هم که رفت در جلسه صهیونیستها، بیچاره در واقع بازی خورد. حال چه کسی پوست خربزه زیر پای این آدم انداخت، من نمی‌دانم) بنده به چند جهت، از ته دل خوشحال شدم. اینها تا به حال گاهی با ریاچی‌هایی می‌گفتند که بعضی، در گوشه و کنار عنوان می‌کردند: «آقا؛ اینها آن قدرها هم با ما دشمن نیستند. آخر شما می‌گویید مرگ بر امریکا، مردم می‌گویند مرگ بر امریکا، بد است! عیب است! زشت است!»

🔸 محدودیت‌های ما در دوران دفاع مقدس

بعضی از آدم‌های کم‌مسئولیت یا بی‌مسئولیت، می‌خواستند این فریاد مرگ بر امریکا را که مردم ما از ته دلشان کنده می‌شود، در گلوها خفه کنند و نگهدارند. حالا مردم وقتی که در مقابل چنین صراحتی قرار

گرفتند، در هر جای کشور هستند، راحت فریاد می‌زنند: «مرگ بر امریکا.»

اما مهم‌تر این‌که، ما در دوران جنگ، از جهات گوناگون، محدودیتهای زیادی از قبیل سلاح، مهمات و ابزارهای جنگی داشتیم. حال هم این آقایان می‌خواهند زحمت بکشند و برای ما محدودیت ایجاد کنند. مگر ما در هشت سال دوره جنگ، محدودیت نداشتیم؟! آن‌جا چه کار کردیم؟ من شاید یک وقت دیگر هم این را گفته باشم: برادران و خواهران! تعجب می‌کنید اگر بدانید که مسئولین ما، سیم‌خاردار خریده بودند؛ می‌خواستند از کشور شوروی عبور دهند و بیاورند؛ اما شوروی نمی‌گذاشت! سیم‌خاردار دیگر چیست؟! چه وسیله‌ای، دفاعی‌تر از سیم‌خاردار؟! از خودش هم خریده بودند که مثلاً بگویند «نمی‌فروشم.» بلکه از جای دیگر خریده بودند. شما ببینید با جمهوری اسلامی چه کردند! گلوله آر.پی. جی. دم دستی کم‌اهمیت را به ما نمی‌فروختند. اصلاً کسی باور می‌کند؟! خوب؛ این جمهوری اسلامی، همان کشوری است که در آن وقت این محدودیتها را داشت.

پیشرفت کشور به برکت تحریم‌ها

می‌دانید نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که به فضل پروردگار و به حول و قوه الهی، جوانان مؤمن این مملکت، به گوشه انبارها و کارگاهها رفتند؛ درها را روی خودشان بستند و مشغول کار شدند. ما امروز برخی از پیچیده‌ترین ابزارهای جنگی را که دشمن به عقلش هم خطور نخواست کرد، خودمان در داخل تهیه می‌کنیم. البته ما را به ساختن بمب اتمی و شیمیایی متهم می‌کنند که اینها دروغ است. خودشان هم می‌دانند که دروغ است. آنچه را که واقعیت دارد، آنها نمی‌دانند و به عقلشان هم نمی‌رسد.

چطور ما توانستیم؟ در این مملکت، خلبان با هواپیمای آمریکایی پرواز می‌کرد؛ همافر و افسر فتی کارهای تعمیراتی‌اش را انجام می‌دادند؛ اما هیچ کدام جرأت نداشتند قطعات این هواپیما را باز کنند، ببینند چه شکلی است. اسمشان هم تعمیر کار بود! قطعات هواپیما وقتی خراب می‌شد، باید می‌بردند امریکا، آن‌جا تعمیر می‌کردند. اجازه تعمیر قطعات هواپیمای آمریکایی، به تعمیر کار ما که با آن هواپیما سروکار داشت، داده نمی‌شد. همین نیروهای مسلح و مردم این کشور، توانستند پیشرفتی عظیم در این زمینه ایجاد کنند. چرا؟ به برکت همان تحریمها و جلوگیریها. حال تهدید می‌کنند که «ما رابطه تجاری‌مان را با ایران قطع می‌کنیم.» خوب؛ به درک، قطع کنید! مگر ما بدمان می‌آید؟! ما خوشحال می‌شویم که شما رابطه‌تان را با ما قطع کنید. اما دنیا از شما تبعیت نمی‌کند. مگر امریکا کدخدای یک ده است که همه مجبور باشند از او تبعیت کنند؟! خوب؛ شما برای خودتان هر کار می‌خواهید، بکنید. بعضی از آدمهای ضعیف، در بعضی از کشورهای اسلامی، تا این چیزها را می‌شنوند، تنش‌شان بنا می‌کند به لرزیدن! مگر چه خبر است؟! الحمدلله در داخل کشور ما، روحیه‌های مسئولان کشور - از رئیس‌جمهور تا رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و نمایندگان مجلس - و آحاد مردم در همه جای این کشور، قوی است. مشتها گره شده است. احساس نشاط می‌کنند. هر کس که در مقابلشان بایستد، با قدرت و قاطعیت با او مواجه می‌شوند. از

این جهات، مشکلی نداریم. خداوند شما را حفظ کند. از این جهت، نگرانی نداریم.

باید وجدان کاری فرهنگ عمومی شود

عزیزان من! آنچه لازم است، «کار» و «تعلیم» است. معلمین عزیز! باید جوانان را بسازید. باید نوجوانان را با روحیه کار، استقلال و علم‌طلبی، پرورش دهید، نه با روحیه مدرک‌طلبی. مدرک چیست؟ مدرک به این عنوان که نشان دهد فردی دارای این معلومات است، خوب است؛ اما نمی‌تواند منشأ اثری شود. آنچه مهم است، علم است. علم و کار، برای جامعه لازم است. همه مردم و مسؤولین بدانند: این که من عرض کردم «وجدان کاری»، یک تعارف نیست. باید برنامه‌ریزی کنند. «وجدان کاری» باید فرهنگ عمومی مردم شود. باید اگر کسی کاری انجام می‌دهد، فکر کند که یک نفر بالای سرش ایستاده است؛ حتی اگر تنها، در اتاقی خلوت باشد. کار باید کامل، محکم، قوی، ابتکاری و همراه با نیاز انجام گیرد.

یکی از کارهایی که وجدان کاری لازم دارد، تعلیم و تربیت است. معلم در کلاس درس مدرسه‌ای که تهِ فلان شهر یا فلان گوشه دورافتاده تهران یا یک روستاست، باید آن‌طور درس بگوید، زحمت بکشد و تلاش کند که گویا الان بازرس در کلاس نشسته است، کار او را نگاه می‌کند، یا یک ساعت بعد می‌آید تا نتیجه کار را ببیند. وجدان کاری یعنی این. ما تعارف که نمی‌کنیم!

تلاش و برنامه‌ریزی برای حفظ عزت ملی

عزیزان من! با تعارف که یک ملت نمی‌تواند آقایی خودش را حفظ کند! با تعارف که نمی‌شود با دشمنان غدار و خونخوار روبه‌رو شد! عمل، تلاش و برنامه‌ریزی لازم است. ما گفتیم: «وجدان کاری»، «انضباط اجتماعی» یا «انضباط اقتصادی». مسؤولین کشور، دولت، قوه قضائیه و نمایندگان مجلس، باید برنامه‌ریزی کنند تا این کارها انجام گیرد، و الا با این که تعریف کنند فلانی چه حرف خوبی زده، که کار تمام نمی‌شود!

کنندگان واقعی کار در کشور

آحاد مردم هم باید کمک کنند. یک‌یک مردم، کنندگان واقعی کار هستند. عزیزان من! این خانه، خانه شماس است. این مملکت، مملکت شماس است. مملکت عظیم، با برکت و ثروتمندی است. خیلی ثروت در این خاک نهفته است که همه‌اش متعلق به شما و نسل‌های آینده این کشور است. ثروت معنوی زیادی در این کشور وجود دارد و همه‌اش متعلق به شماس است. این همه علم، استعداد، آگاهی و اخلاقیات خوب، به برکت اسلام، فرهنگ کهن اسلامی و سوابق این ملت در این کشور هست که متعلق به شماس است. چه وقت می‌توانید استفاده کنید؟ وقتی که این ملت، آماده کار باشد؛ کمر بسته باشد؛ هیچ کس در کارهای خود کوتاهی نکند و بی‌کاری را برای خود مغتنم نشمارد. هستند کسانی که در حال خستگی از کار هم، وقتی

که کاری وجود دارد با کمال شوق کار می کنند. کسی از اینها نمی پرسد «شما چرا کار نکردید؟» فکر مؤاخذه الهی و نیاز مردم، اینها را به کار وادار می کند. این روحیه، باید همگانی شود. این، همان «وجدان کاری» است.

اسلام می خواهد، کار در راه خدا و برای خدا باشد

- ❖ دوراه برای انجام کار در حیطه های مختلف
- ❖ توجه زیاد به جهت کار در اسلام
- ❖ دوفایده کار در راه خدا و برای خدا
- ❖ قصد کار یعنی جهت دار کردن کار
- ❖ جهت کار در آمریکا و دیگر کشورهای سلطه گر
- ❖ جهت و روح کار، تعیین کننده کار است
- ❖ هر کاری که در خدمت به نظام اسلامی باشد عبادت است

اسلام می‌خواهد، کار در راه خدا و برای خدا باشد*

❁ دوراه برای انجام کار در حیطه‌های مختلف

ترکیب علم و کار، ترکیب زیبایی است. شاید بشود این را به عنوان یک حرکت نمادین تلقی کرد؛ برای این که در جمهوری اسلامی، ما راه خود را بهتر و بیشتر پیدا کنیم. یعنی علم، واقعیت‌تر و با صحنه کار نزدیک‌تر پیش برود و کار، عالمانه‌تر و از تجارب و اندوخته‌های علمی، بهره‌مندتر شود. ان شاء الله همت خواهید کرد و همچنان که تا امروز، شما دوقشر تلاش و مجاهدت کردید و زحمت کشیدید، بعد از این هم با حرکت سریع‌تر و روان‌تر، جامعه را خواهید ساخت؛ چون این کشور متعلق به شماست.

در این جاذبه‌های وجود دارد و آن این است که هر کاری را - چه کارهای محدود در منطقه و حیطه کارگری و چه کارهای مربوط به حیطه تعلیم و تربیت - به دو طریق می‌شود انجام داد: یکی، دارای جهت و هدف و یکی هم، بی‌هدف و بی‌جهت. فرض کنید یک نفر می‌خواهد کاری انتخاب کند. یک وقت است که برایش فرقی نمی‌کند چه کاری باشد و می‌خواهد کاری بکند و درآمدی داشته باشد و صرفاً حرکتی انجام گیرد. یک وقت هم می‌گردد، کاری را انتخاب می‌کند و می‌سنجد که امروز چه کاری لازم‌تر و مفیدتر و مردم به آن نیازمندترند. این دومی، کار جهت‌دار می‌شود. در شرع مقدس اسلام، به این جهت کارها، توجهی خاص شده است. البته، قصد من این نیست که بگویم هر کسی می‌خواهد کاری انتخاب کند، برود بگردد و ببیند چه کاری لازم‌تر است. این، فعلاً از حوزه تصمیم و انتخاب فردی در بحث ما خارج است. ما می‌خواهیم برای جهت کلی کشور و جامعه، صلاح اندیشی کنیم.

🌸 توجه زیاد به جهت کار در اسلام

در اسلام، به جهت کار خیلی توجه شده است. مثلاً در عبادات می گویند: باید قصد قربت کرد. قصد قربت، یعنی همان جهتگیری و این که انسان کار را برای خدا انجام دهد و در جهت رضای الهی باشد. شاید ظاهر و شکل مادی کار، خیلی هم فرق نکند. روح کار فرق می کند. مثلاً در شرع مقدس سفارش شده و مستحب است که روز جمعه، انسان غسل جمعه کند.^۱ به ذهن انسان می رسد که قاعده‌اً اصل تشریع غسل جمعه، برای نظافت است و برای این است که هر انسانی، لااقل هفته‌ای یک بار، تن خود را شستشویی کند که به این وسیله، نظافت را که در اسلام خیلی اهمیت دارد، تأمین نماید. ولی اگر شما در روز جمعه، یک ساعت در حوض و یا استخری بروید و غوطه بخورید و دست و پا تکان دهید و بدنتان را صابون هم بزنید، اما نیت غسل جمعه نکنید؛ آن ثوابی را که شارع مقدس برای غسل جمعه معین کرده است، به شما نخواهند داد. صورت کار، همان صورت کار - یعنی شستشو - است. هدف ظاهری آن هم، در هر دو جا - هم در غسل جمعه و هم در یک غوطه خوری معمولی - نظافت است؛ اما غسل جمعه چیزی اضافه دارد که عبارت از هدف و جهت است. جهت چیست؟ کار را برای خدا انجام دادن.

🌸 دو فایده کار در راه خدا و برای خدا

اسلام می خواهد در محیط مسلمانی، هر کاری که افراد می کنند، در راه خدا و برای خدا باشد، تا دو فایده ببرند: یک فایده، فایده مادی آن کار است و یک فایده هم، فایده معنوی و روحی است که به خاطر قصد قربت عاید می شود و بدون آن، عاید نمی گردد. وقتی که شما مثلاً غذا می خورید، قصدتان این است که من این غذا را می خورم تا بدنم نیرو پیدا کند و بتوانم به وظایف زندگی برسم؛ چون خدا این را خواسته است. در این جا، غذا همان غذا و همان مواد غذایی است که به بدن شما می رسد و همان لذت در ذائقه است؛ اما علاوه بر اینها، خدای متعال ثواب هم می دهد. چرا؟ چون شما با این کار، غیر از اداره جسم خویش، دل و روح خودتان را هم اداره و برایش جهت معین کرده اید.

🌸 قصد کار یعنی جهت دار کردن کار

وقتی چنین روحیه‌ای، در همه چیز بر انسان مسلمان حاکم باشد، آن وقت کار حرام از او سر نمی زند، غذای حرام نمی خورد، غذای با چپاول و زور و ظلم به دست آمده را به لب نزدیک نمی کند، حرکت دست او حرکت ظالمانه نخواهد بود و حرکت اندیشه و فکر او هم، حرکتی در جهت زیان انسانیت و برادر مسلمان خود نخواهد بود. یعنی همین چیزی که به ظاهر خیلی کوچک به نظر می آید، موجب می شود که تمام مشکلات حیات بشری - که همین جرائم و گناهان و تخلقات گوناگون انسانها و شهوترانیها و فزون طلبیها و آرها و امثال اینهاست - بتدریج از انسان فاصله بگیرد. ببینید چطور حکمت دین و احکام شرعی، از جای کوچک و از نقطه کمی آغاز می کند و ناگهان یک پهنه وسیع را فرا می گیرد! بنابراین، قصد قربت یعنی

جهت دار کردن کار.

حالا با دید وسیعتری به یک جامعه نگاه کنید که این هم جزو قصد قربت است. این را هم که مطرح می‌کنیم، از قصد قربت بیرون نیست و یکی از مصادیق آن است. در یک جامعه، کار و تلاش و تعلیم و تربیت هست؛ اما جهت این کارها چیست؟ این کار یا این آموزش و پرورش، به چه سمتی حرکت می‌کند؟

🏠 جهت کار در آمریکا و دیگر کشورهای سلطه‌گر

امروز، در زرادخانه‌های آمریکا، کار انجام می‌گیرد. آن جا هم کارگر هست؛ اما این کاری که انجام می‌گیرد - چه کار کارگر ساده، چه کار کارگر ماهر، چه کار سرکارگر، چه کار مدیر بخش، چه کار مدیر کارخانه، چه کار طراحان و نقشه‌کشان اصلی این کارخانه - در خدمت چیست؟ در خدمت جنگ افروزی؛ در خدمت کمک به غاصب - مثلاً اسرائیل - و در خدمت بمباران اتمی هیروشیما در گذشته. الان هم اگر آمریکا از افکار عمومی و از نابودی درونی خودش نمی‌ترسید و خلاصه اگر مهارها و افسارها، جلوگیر دولت آمریکا نبود، حاضر بود در هر نقطه‌ای از دنیا که هوس کند، بمب اتم بیندازد؛ چون برای اینها که آدمکشی کار مشکلی نیست!

امروز، همچنین در دانشکده علوم اطلاعاتی یا جاسوسی در سازمان سیای آمریکا هم، معلّم و شاگردی هستند که مشغول درس دادن و درس خواندنند. آیا آن معلّم هم، همین ارزش والایی را که ما برای معلّمان قائلیم، دارد؟ در آن جا، محصول تلاش و نمره آوردن شاگرد، این نیست که از منافع ملی آمریکا دفاع کند. اگر این بود، ما حرفی نداشتیم. آمریکاییها بروند برای خود و منافع ملی و در چارچوب کشورشان، خود را به شکل معقولی اداره کنند؛ ما که بخیل و مانع نیستیم. اما امروز، آن آموزش و پرورش و آن تعلیم و تربیت، در خدمت سیاه‌ترین و آلوده‌ترین دستها و انسانهای سیاسی در دنیا و علیه نهضت‌های آزادیبخش و کشورهای در حال حرکت آزادیخواهانه و هر کشور استقلال طلب دیگر و نیز به نفع رژیمهای مرتجع و علیه رژیمهای مترقی به کار می‌رود. جهت کار آنها، این است.

🏠 جهت و روح کار، تعیین کننده کار است

خواستیم شما عزیزان من و جامعه کارگری و جامعه فرهنگی کشور، این نکته را توجّه کنید که نفس و ماده‌ی کار، تعیین کننده نیست؛ روح کار تعیین کننده است. صرف این که بازویی حرکت می‌کند و چرخي را می‌چرخاند، این ارزش آفرین نیست. ارزش معنوی و اخلاقی مهم است. باید دید این چرخ برای چه می‌گردد، برای چه می‌گردد و در خدمت چه چیزی است؟ صرف این که کلاسی تشکیل می‌شود و معلّمی به آن جا می‌رود و از جان و دل خود مایه می‌گذارد و با حله تنیده زدل و بافته زجان، شاگرد را تربیت می‌کند و کلمه به کلمه روح او را با معارف و معلومات آغشته می‌نماید، کافی نیست که ارزش درست کند. باید دید آن ماده‌ای که آموزش داده می‌شود، چیست، هدف و جهت چیست و این تعلیم و تربیت به چه

سمت و سویی انجام می‌گیرد. عزیزان من! این مهم است.

امروز در بعضی از مناطق دنیا، برای نابودی ارزشهای انسانی تعلیم علم داده می‌شود. امروز کسانی هستند که علم را فرامی‌گیرند، برای این که در پشت مرزهای کشورهای بیگانه - که برای اهداف شیطنانی کمین گرفته‌اند - به آنها کمک کنند. این، ارزش نیست. یک روز، در همین آب و خاک مقدس خود ما، کسانی علم را آموختند، برای این که جامعه ایرانی و کشور ایران را به سمت فساد بیشتر و بهتر سوق دهند. این، ارزش و اعتباری ندارد. جهت و روح، مهم است.

🌸 هر کاری که در خدمت به نظام اسلامی باشد عبادت است

عزیزان من! کارگران و معلمان کشور! امروز هر حرکت علمی و فرهنگی و کاری که در خدمت نظام و کشور جمهوری اسلامی و برای نوسازی و پیشرفت و آبادانی این کشور انجام می‌گیرد، یک عبادت است. فرقی هم بین این کارخانه و آن کارخانه و این مدرسه و آن مدرسه نیست. اگر امروز در ایران اسلامی، یک معلم یک کلمه درس بدهد و قصدش این باشد که برای خدمت به این کشور - که امروز سرزمین اسلام و عرصه عظمت و درخشش احکام اسلامی است - شاگردی تربیت کند؛ این یک کلمه، یک حسنه است که اگر صد کلمه شد، صد حسنه می‌شود. اگر او را شب و روز فرا گرفت، شب و روز او سرشار از حسنه است. آن کارگری که در کارخانه‌ای کار می‌کند، یا طراح و مدیری و یا هر گونه تلاشی می‌کند، برای این که ایران اسلامی - که امروز عرصه جلوه‌های معنوی و الهی است - رشد و پیشرفت پیدا کند و آباد شود و از بیگانه‌ها بی‌نیاز گردد و نگران تحریم اقتصادی این قدرت و آن قدرت نباشد و استغنا پیدا کند، هر لحظه‌ای کار این کارگر یک حسنه انجام می‌دهد و یک عبادت می‌کند. هر کسی به این کار کمک کند، در این عبادت سهیم است و از سهم آن کارگر هم کم نمی‌شود. آن کسی که به او کمک کرده است، او نیز سهیم می‌شود. دستگاه خدا این گونه است. گاهی یک عمل انجام می‌گیرد، ده نفر سهیمند و ده حسنه انجام می‌گیرد. نه این که یک حسنه تقسیم شود؛ بلکه هر کدام پیش خدای متعال ثواب جداگانه دارند. امروز، این گونه است. امروز، کشور شما این خصوصیت را دارد.

وجدان کاری و اتقان کاری

- معلم و کارگر، نماینده دورکن در پیشرفت جامعه
- تلاش دشمن برای جداسازی دوقشر عظیم از متن مردم
- معنای وجدان کاری
- کلید مشکلات کشور
- هر دقتی که برای بهبود کار بشود مورد
- تحسین کرام الکاتبین است
- راه شکوفایی استعدادها
- نباید استعدادی از میلیونها جوان و نوجوان هدر برود
- ستون فقرات کشور، در دست معلمان و کارگران

وجدان کاری و اتقان کاری*

معلم و کارگر، نماینده دو رکن در پیشرفت جامعه

معلم، مظهر علم است؛ کارگر، مظهر عمل است. بنابراین، روز معلم و روز کارگر، یعنی روز علم و عمل. قوام جامعه هم، به علم و عمل است. اگر ما بتوانیم در میان خودمان، این دو رکن - یعنی علم و عمل، تعلیم و تربیت و کار و ابتکار - را توسعه دهیم و در این دو زمینه، پیشرفتی محسوس در کشور به وجود آوریم - که بحمدالله امروز تا حدود زیادی هم شده است - حرکت کشور به سمت هدفها سریع خواهد شد، مشکلات برطرف خواهد گردید و آن چیزی که انقلاب عظیم ما برای ایران اسلامی ترسیم کرده است، نزدیک خواهد شد. لذا این دو رکن، مهم است. کسانی که نماینده این دو رکن هستند - یعنی جامعه معلم کشور و مجموعه تعلیم و تربیت از یک طرف، و جامعه کارگری کشور و مجموعه مربوط به کار و ابتکار و تولید و حرکت صنعتی و کشاورزی و غیره از جانب دیگر - برای کشور بسیار حائز اهمیتند.

تلاش دشمن برای جداسازی دو قشر عظیم از متن مردم

من به مناسبت اجتماع امروز که به خاطر روز کارگر و روز معلم تشکیل شده است، یک نکته برای جامعه کارگران و جامعه معلمان کشور و یک نکته هم برای مسؤولان مطرح می‌کنم. عرض اول من به جامعه کارگران و معلمان کشور، اظهار ارادت و علاقه و خسته نباشید و خدا قوتی است. من قلباً از جامعه کارگری و جامعه معلم کشور، صمیمانه متشکرم. من می‌دانم که دشمنان ما چقدر تلاش کردند تا این دو جامعه عظیم را از متن مردم و از مجموعه انقلاب جدا کنند؛ ولی مقاومت افراد این دو جامعه، تلاش آنها را خنثی

کرد. در بین کارگران، چقدر وسوسه پراکنی کردند تا شاید بتوانند چرخ کار را در کشور متوقف کنند. در بین معلمان و بخش تعلیم و تربیت کشور، چقدر وسوسه پراکنی کردند تا شاید بتوانند مدارس و کلاسهای ما را تعطیل کنند؛ ولی نتوانستند. تا امروز به فضل الهی و به اتکای ایمان و نورانیتی که در دلهای افراد این جامعه است، نتوانسته‌اند و من یقین دارم که در آینده هم نخواهند توانست. این، مایه سپاسگزاری من از خدا و از شماست.

🌸 معنای وجدان کاری

سفارشی هم که به شما دارم، این است که کیفیت کار را در هر دو بخش باید روز به روز ان شاء الله بهبود ببخشید. این که ما در دو، سه سال قبل، از وجدان کاری گفتیم و در دهانها هم این تعبیر تکرار می‌شود، نکته خیلی مهمی است. من نمی‌دانم کسانی که این جمله را به زبان می‌آورند، تا چه حد به اهمیت این مضمون و تأثیر آن توجه می‌کنند. وجدان کاری، تعبیری از قبیل وجدان سیاسی و وجدان علمی است. معنای این کلمه این است که آن کسی که مشغول کاری است، یک احساس وجدانی نسبت به کار پیدا کند و خود را در قبال آن کار، مسؤول بداند. این، غیر از مسؤولیت در قبال کار فرماست؛ یک چیز دیگر است. علاوه بر جنبه شرعی و جنبه انسانی و تعهد، در قبال خود کار، انسان خودش را مسؤول بداند که کار را درست، کامل، قوی و بهترین انجام دهد؛ چه بالای سر او کسی باشد و چه نباشد. این، معنای وجدان کاری است.

🌸 کلید مشکلات کشور

در اسلام که کار، عبادت و ارزش شمرده شده است، لازمه‌اش این است که هر کس کاری را قبول کرد و تعهد نمود، آن را به بهترین وجهی انجام دهد. این حرف، سر کلاس درس و پای خط تولید و داخل مزرعه و پای چرخ خیاطی و کار داخل خانه هم هست. در هر نوع کاری - که به این حساب، معلمی و تربیت و تعلیم هم یک کار است؛ آن هم یک کار بسیار ارزشمند - اگر کننده کار، وجدان کاری داشته باشد، آن کار به بهترین شکل انجام خواهد یافت. این، آن چیزی است که کلید مشکلات کشور است. اگر شما فلان جنس را می‌خرید و به منزل می‌برید و مشاهده می‌کنید که بعد از مدت کوتاهی خراب شد و کاری که روی آن شده، کار درستی نبوده است - یعنی بی‌اعتمادی به کاری که انجام می‌شود - در صورت وجود وجدان کاری، این دیگر برخواهد افتاد. کسی فرزند خود را به مدرسه بفرستد و نداند که او در مدرسه تبدیل به چه چیزی و چگونه عنصری خواهد شد؛ این دیگر نخواهد بود.

🌸 هر دقتی که برای بهبود کار بشود مورد تحسین کرام الکاتبین است

وقتی همه کنندگان کار، با احساس وجدان کاری به کار پرداختند و فهمیدند در حالی که کار را می‌کنند،

اگر صاحب کار هم نیست، اما خداوند متعال حاضر و ناظر است، کرام الکاتبین حاضرند و ملائکه مقرب الهی نگاه می کنند؛ هر دقتی که برای بهبود کار بشود، مورد تحسین کرام الکاتبین خواهد بود و در پرونده عمل کننده کار ثبت خواهد شد. این چیزها، در محاسبات بشری ما به حساب نمی آید و غالباً نمی بینیم، غفلت می کنیم و بدان توجه نداریم؛ اما در حساب خدا که این حرفها نیست.

اگر شما آن یک دقیقه آخر را هم که سر کلاس بودید، درس دادید و نگذاشتید ضایع شود؛ یا با آن شاگرد بدآموز، حقیقتاً صرف وقت کردید و کوششتان را به کار بردید؛ یا در کارخانه، یا در مزرعه، یا در خانه که مشغول کار هستید و یا هر جای دیگر، دقت به خرج دادید؛ آن سوزنی را که با دقت در پارچه فرو بردید و... همین دقت و اهتمام، در پرونده عملتان ثبت خواهد شد. این ثبت در پرونده الهی، فایده اش فقط مربوط به قیامت نیست؛ در همین دنیا هم اثر می کند. یعنی محکم کاری و دقت در کار دنیا، یک جامعه سرافراز، آباد، با انسانهای قوی، مستحکم، تسلیم نشوی در مقابل دشمن، بی نیاز از لئام خلق خدا و دشمنان جامعه پدید خواهد آورد. نام نیکی هم برای این جامعه و این کشور، در عالم به وجود خواهد آورد. اینها مربوط به این طرف مرز مرگ است. آن طرف مرز هم که برزخ و قیامت و ثواب الهی است، مترتب بر این کارهاست. این، توصیه ما به شماست. من، هم از جامعه کارگری کشور و هم از جامعه تعلیم و تربیت کشور، ضمن تشکر و سپاس عمیق قلبی، این درخواست را هم دارم. ان شاء الله که بتوانید روز به روز کار خود را بهبود ببخشید.

به مسؤولان هر دو بخش نیز عرض می کنم که در مشکلات جاری و روزمره این دو بخش، غرق نشوند. فراتر از این مشکلات، در صدد کیفیت بخشیدن به این دو بخش باشند. استعداد ملت ما، یک استعداد برجسته است. ما از چند سال پیش، راجع به استعداد ایرانی تأکید می کردیم. بعضی خیال می کردند که از روی محبت به مردم و کشور خودمان چیزی می گوئیم؛ در حالی که آنچه ما می گفتیم، متکی به آمار و معلومات بود. خوشبختانه در این چند سال اخیر، خبرها و گزارشهای مستند قوی بخش شد و در اختیار مردم قرار گرفت که نمونه هایش را هم شما دیدید. در این مسابقات جهانی که به نام المپیا برگزار می کنند، شما دیدید که جوانان ما با این که اوایل کارشان است، از اکثر کشورها بهتر می درخشد. در مسابقات جهانی، در هماور دیهای علمی، در قبول بعضی از کارهای بزرگ و پیچیده صنعتی، در صنایع دقیق و ریز و غیره، بعضی از کسانی که از کشور ما رفتند، توانستند بر دیگران فائق آیند. این، همان استعداد برجسته است.

🏡 راه شکوفایی استعدادها

از سوی دیگر، اگر شما به دست برجسته ترین صاحب استعداد هم یک بیل بدهید و او را به کار غیر علمی وادار کنید، استعدادش شکوفا نخواهد شد؛ اما وقتی که میدان باز شد و کشور بحمدالله از سلطه بیگانگان بیرون آمد، کم کم فضای کشور، فضای خوبی شد. وقتی محیط تعلیم، تربیت، تحقیق، دانشگاه و مدارس

مساعد شد و دولت و مسؤولان کشور هم تشویق کردند، استعدادها گل می‌کند؛ و می‌بینید که گل کرد. با توجه به این استعداد بالا، ما هم در زمینه مسائل کاری، باید کارگر ماهر داشته باشیم؛ باید ابتکار در مسأله کار داشته باشیم؛ باید محیط‌های کارگری ما مجموعه‌ای از نیروهای فعال و توانا و کاردان باشد؛ نه کارگری که نمی‌داند چه کار می‌کند. مسؤولان بایستی زمینه ابتکار و خلاقیت را فراهم کنند و روز به روز پیش ببرند. البته کارهای زیادی هم شده است - نه این که بخواهیم بگوییم نشده - ولی باید بیشتر بکنند و در این جهت سریعتر پیش بروند.

نباید استعدادی از میلیونها جوان و نوجوان هدر برود

در زمینه تعلیم و تربیت هم همین طور است. در محیط آموزش و پرورش باید کاری بشود که حتی یک استعداد، از میان این میلیونها نوجوان و جوان ایرانی هدر نرود. یعنی تا این حدی که تعلیمات متوسطه ماست - این دوازده سالی که درس می‌خوانند - هر کسی که درس می‌خواند، استعدادش هدر نرود. حالا بعد از آن ممکن است بعضی به دانشگاه بروند، بعضی به رشته‌های فنی بروند؛ عیبی هم ندارد و همه‌اش هم خوب است؛ اما در این مدت باید همه استعداد شکوفا شود. باید کاری بکنند که این کار انجام گیرد، و آلا روال عادی را حفظ کردن، یا پرداختن به کمیته‌ها، کار اساسی مسؤولان این دو بخش نیست. در زمینه کار، مثلاً اشتغالها را تعدد و تنوع ببخشند و پیشرفت بدهند. این، توقع ما از مسؤولان این دو بخش است. آنچه که ما در این زمینه‌ها سفارش می‌کنیم، فقط مربوط به این دو بخش هم نیست؛ مربوط به کل کشور است و فایده آن به کل کشور برمی‌گردد.

ستون فقرات کشور، در دست معلمان و کارگران

عزیزان من؛ معلمان، کارگران، جوانان، کسانی که قوام کار و استقلال و ستون فقرات کشور در دست شماست! مسؤولیت شما سنگین است. ببینید دشمن چه طوری است. ببینید دشمن چقدر بی‌انصاف و بی‌رحم و وقیح است. اگر بخواهید دشمن بر شما مسلط نشود، باید خوب کار کنید. همه باید خوب کار کنند، همه باید کار را برای خدا و دقیق انجام دهند، تا ان شاء الله این کشور اسلامی و این ایران سرافراز و سربلند، بتواند در مقابل دشمن بایستد و به همه بفهماند که به برکت اسلام - که «الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه»^۱ - هیچ کس نمی‌تواند نسبت به این ملت، استعلا و استکباری داشته باشد.

ارزش کار و کرامت کارگر

- ❖ دو سرمایه اصلی انسانی و رکن اساسی جامعه
- ❖ قدرشناسی نسبت به جامعه کارگری و معلمی
- ❖ تلاش جهت رفع مشکلات معیشتی قشر کارگر و معلم
- ❖ اهمیت دادن انسان با شرف به کرامت معنوی خود
- ❖ قانون جنگل حیوان های مدرن

ارزش کار و کرامت کارگر*

این ایام با یاد برجستگان عالم خلقت - نبی مکرم، سبط معظم و حضرت علی بن موسی الرضا علیهم الصلاوة والسلام - آمیخته است. در روزهایی که با یاد تعلیم و تربیت و تولید و کار ارتباط دارد، باید نام پیغمبر اکرم را به یاد آورد و بر زبان جاری کرد؛ چرا که آن بزرگوار معلم بشر و برافرازنده پرچم تعلیم و تربیت و تکریم کار و تلاش بود. آن بزرگوار فریاد عدالت و تکریم انسان و برداشتن تبعیضها در جامعه و اهتمام به معنویت و فضیلت روحی و معنوی را در جهان بلند کرد. امروز هم طنین همان صداها در فضای تاریخ و دنیای کنونی به گوش می رسد. اینهاست که باید به عنوان مدح پیغمبر و ائمه، در زبان مباحان و گویندگان محترم جاری شود تا ما این بزرگان تاریخ بشر و برگزیدگان عالم خلقت را بشناسیم.

دو سرمایه اصلی انسانی و رکن اساسی جامعه

جلسه امروز شما که ترکیبی از قشر معلّم و کارگر است، هر سال برای من یک مجلس مغتنم به حساب می آید. ترکیب هم ترکیب متناسبی است؛ ممکن است در نگاه اول به چشم نیاید، اما این دو عنصر کاملاً با هم ارتباط دارند. بنای مدنیت و زندگی انسان بر استفاده از منابع طبیعی و انسانی است. اگر منابع طبیعی باشد، اما منابع انسانی نباشد و یا رشد نیافته باشد، مثل این است که چیزی در دست نیست. به کشورهای عقب افتاده آسیا و آفریقا در دوران تسلط استعمار نگاه کنید! اینها منابع طبیعی داشتند؛ اما فرصت تربیت منابع انسانی پیدا نکرده بودند. از آن طرف مرزهایشان، از راههای دور، آدمهای زرنگ، حيله گر و بی انصاف سر اینها ریختند و منابع طبیعی شان را غارت کردند و آنها را به کار زندگی خودشان زدند و قدرت خود را

روز به روز افزایش دادند. اگر منابع انسانی باشد، اما منابع طبیعی نباشد، باز هم یک جای کار لنگ است. کشوری که تولید ندارد، خودش سازنده و پرورنده نیست؛ دسترنج خود را مصرف نمی کند و همیشه متکی به دیگران، تابع دیگران و در نتیجه مطیع دیگران خواهد بود. این هم بلای دیگری است که مستبدان و حامیان بین المللی شان بر سر کشورهای استبداد زده دوره قبل و امروز در برخی از نقاط عالم آورده اند. چشم به دروازه ها بدوزند تا از آن طرف مرزها برای آنها همه چیز بیاورند؛ افتخار هم بکنند که پول می دهند و خارجیها برای آنها کار می کنند و اجناسشان را برای آنها می فرستند! این افتخار کردن را من از یکی از منتقدان رژیم طاغوت شنیدم. منطق را ببینید؛ چقدر کودکانه و ابلهانه است! همین می شود که یک کشور برای نان و گوشت و اولیات زندگی و لباس و مصارف زندگی باید به تولید کننده خارجی چشم بدوزد؛ چون خود در صدد تربیت نیروی انسانی ماهر بر نیامده است؛ به تن خود زحمت نداده است و کارگر و معلم را قدر ندانسته است. بنابراین منابع طبیعی و منابع انسانی دو سرمایه اصلی انسان هستند. کارگر منابع طبیعی را مورد بهره وری قرار می دهد و قابل استفاده می کند؛ معلم هم منابع انسانی را استخراج می کند، رشد می دهد و مورد بهره برداری جامعه قرار می دهد. این دو، رکن اساسی جامعه اند. مهم هم این است که هم دو قشر معلم و کارگر، هم بخصوص مسؤولان دولتی و هم آحاد مردم این ارزش والا را بشناسند و به آن به چشم تکریم نگاه کنند و بفهمند کارگر و تولید کننده یعنی چه؛ بفهمند کسی که آهن پاره را تبدیل به یک کالای زیبا و مورد استفاده می کند، چه ارزشی دارد. معلم را بشناسند و بدانند کسی که کودک ساده هیچ ندان را به یک انسان آگاه و یک چشمه جوشان ابتکار، استعداد، نقشه و طرح در همه مسائل زندگی تبدیل می کند و این ماده خام را به این جاسانده است، اجر و قربش کجاست؛ این را همه بفهمند.

قدرشناسی نسبت به جامعه کارگری و معلمی

ما وقتی به نیازها و کمبودهای جامعه کارگری و جامعه معلمی نگاه می کنیم، اولین چیزی که چشممان را جلب می کند، کمبودهای مادی آنهاست - که البته کمبودهای معیشتی و مشکلات مادی وجود دارد - اما مشکل معنوی این دو قشر را کمتر می بینند؛ یعنی به قدرشناسی و شناخت جایگاه کارگر و معلم در جامعه کمتر توجه می شود. فرق است بین یک اداری معمولی - که البته او هم کار و خدمت می کند و او هم ارزش دارد - و کسی که سر کلاس، جان و دل خود را مصرف می کند برای این که این ماده خام و این کودک هیچ ندان را به آن رتبه والای معرفت برساند.

تلاش جهت رفع مشکلات معیشتی قشر کارگر و معلم

در زمینه رفع مشکلات معیشتی و مادی - همان طور که آقایان در این جا گزارش دادند - کارهای خوبی شده است؛ اما کافی نیست. چرا کافی نیست؟ زیرا برطرف کردن مشکل معیشتی از قشر کارگر و معلم و قشرهای دیگر، به اصلاح مبانی اقتصاد کشور بستگی دارد. فرض کنیم ما حقوق این انسان زحمتکش را بیست درصد

یا چهل درصد اضافه کردیم؛ اما اگر تورّم را مهار و ارزش پول ملی را تأمین نکردیم، آن مقداری که او امسال از ما اضافه می‌گیرد، چنانچه از رشد بی‌رویه قیمتها پایین‌تر باشد، فایده‌ای برای او ندارد؛ پس ما برای او کاری نکرده‌ایم؛ بنابراین اساس کار آن جاست.

توصیه من به وزیران محترمی که این جا هستند و به دیگر مسؤولان دولتی، امروز این است و قبلاً هم همیشه همین بوده است که روی مسأله تقویت پول ملی و به نظام آوردن خرجها و هزینه‌های دولتی تلاش کنند و جلو ریخت و پاشها و خرجهای زیادی و اسراف‌گونه را بگیرند و در یک دایره محدودتر وزارتت، رعایت کمال عدالت را بکنند و تبعیضهای بیجا را بردارند. اینها کارهایی است که بدون افزایشهای ریالی هم می‌تواند دلها را شاد، انسانها را خرسند و امیدوار و زندگی آنها را ترمیم کند. اگر این کارها صورت گیرد، ولو افزایش ریالی هم به آن صورت نباشد، باز زندگی آهنگ طبیعی و مطلوب پیدا خواهد کرد.

🌿 اهمیت دادن انسان با شرف به کرامت معنوی خود

همچنین بر ارزش و کرامت معنوی تکیه شود. مجموعه‌های کارگری و معلّمی توجه داشته باشند شعارهایی که می‌دهند و حرفهایی که می‌زنند، به گونه‌ای نباشد که شرافت معنوی و کرامت حقیقی را در چشم مردم از جامعه معلّمی یا کارگری بگیرد. همان‌طور که عرض کردیم، نیازها هم مادی است و هم معنوی؛ اما چیزی که انسان را دلگرم و قانع و خرسند می‌کند، تکریم معنوی است. خیلیها حاضرند آبرو و کرامتشان را حفظ کنند و به طرف کسی دست دراز نکنند و از کسی پول نگیرند. انسان با شرف، به کرامت معنوی اهمیت می‌دهد. کرامتی را که جامعه معلّمی و جامعه کارگری دارند - که واقعاً هم پیش خدا و عقل و در محاسبات اجتماعی و انسانی کرامت دارند - بشناسیم؛ آن را سردست بگیریم و به همه نشان دهیم. شانه کدام یک از ما تاکنون زیر بار متّ یک معلّم خم نشده است؟ کدام یک از ما تاکنون دست معلّم خود را نبوسیده‌ایم؟ ارزش معلّم این است. ارزش کارگر هم آنقدر بالاست که پیغمبر دست او را بوسید. حقیرهایی امثال من چه کار کنیم که جای بوسیدن دست پیغمبر را بگیرد؟ این ارزشهای معنوی را فراموش نکنیم.

🌿 قانون جنگل حیوان‌های مدرن

عده‌ای در جامعه طوری حرف می‌زنند و مشی می‌کنند که تصوّر مردم این‌گونه باشد که بله، بزن و بکوب مسابقه مادیات است؛ هر که پول بیشتری به دست آورد و استفاده بیشتری کرد، او بُرده است؛ هر کس استفاده کمتری کرد، کلاشهش پس معرکه است و عقب‌مانده و بدبخت است! قضیه این نیست. این مربوط به قانون جنگل حیوانهای مدرن است! بله؛ در نظامهای سرمایه‌داری که دعوا بر سر پول و مادیات است، همین‌طور است - چون معنویتی وجود ندارد - اما در جامعه انسانی، فضیلت و شرف و آبرو و کرامت انسانی و ارزش معنوی حرف اوّل را می‌زند. البته این بهانه نشود برای این که به فکر مادیات و ترمیم معیشت نباشند؛ باید باشند و راهش هم همان چیزی است که عرض کردم: پایه‌های اقتصادی را مستحکم کنند.

نگاه اسلام به کار و روابط کارگر و کارفرما

❁ امتحان خوب جامعه کارگری از آغاز انقلاب تا امروز

❁ حل مشکلات جامعه کارگری با تدبیر و پیگیری

مستمر

❁ رابطه کارگر و کارفرما در اسلام و غرب

❁ نفس «کار» از نظر اسلام

❁ تلاش دولت و مسئولان برای محو مشکل بیکاری

❁ انقلاب، ما میتوانیم را به ملت داد

❁ تکلیف الهی که بر دوش همه ماست

نگاه اسلام به کار و روابط کارگر و کارفرما*

🕌 امتحان خوب جامعه کارگری از آغاز انقلاب تا امروز

جامعه‌ی کارگری کشور از آغاز انقلاب تا امروز، امتحان خوبی در مقابل خدا و مؤمنین و فرشتگان مقرب الهی - کرام‌الکاتبین - از خودشان نشان داده‌اند؛ هم در مبارزات اخیر منتهی به انقلاب، هم قبل از دوران جنگ (آن وقتی که گروه‌های سیاسی معارض، خودشان را آماده کرده بودند برای اینکه در مجموعه‌ی کارگری کشور نفوذ کنند و جلو حرکت نظام جمهوری اسلامی را بگیرند، کارگرها بودند که با مشت بر سینه‌شان کوبیدند و آنها را از سر راه دور کردند؛ این را من از نزدیک خودم شاهد بودم، حکایت و روایت نیست.) و چه در دوران جنگ که در کنار قشرهای مختلف شهری، روستائیان، دانشجویان، علما و روحانیون، کارمندان ادارات، پیشه‌وران و کسبه، دوش به دوش هم در این صفوف بسیار دشوار و خطرناک دفاع از کشور و انقلاب، کارگرها ایستادند و امتحان دادند؛ هم در خود میدان جنگ و هم در کارخانه که پشت جبهه‌ی واقعی بود و عقبه‌ی جنگ بود. اگر یک روزی نویسندگان منصفی بخواهند این خط ممتد نظام جمهوری اسلامی را در این بیست و چند سال درست ترسیم کنند، آن وقت معلوم می‌شود که کارگران کشور ما برای انقلاب چه کرده‌اند و خودشان را چطور به تکلیف الهی پیوند زده‌اند و پیش خدای متعال خودشان را روسفید کرده‌اند. کار بزرگی بود؛ امروز هم همین‌طور است.

🕌 حل مشکلات جامعه کارگری با تدبیر و پیگیری مستمر

در باب مسائل کارگری، اگر ان شاء الله همین حرفهایی که وزیر محترم بیان کردند، با پشتکار این دولت به

مرحله‌ی عمل دربیاید، اکثر مشکلات حل خواهد شد؛ منتها توجه کنند در مرحله‌ی حرف نماند، دنبال بشود که این کارها عملی شود. مشکلات مربوط به خصوص قشر کارگر، این چیزهایی که به معیشت کارگران یا به حرمت کارگر، احترام کارگر یا به مهارت کارگر یا به امنیت شغلی کارگر مربوط می‌شود، این چیزها را که ما می‌فهمیم و مسئولان دولت بحمدالله شناسایی کردند، اینها را با جدیت دنبال کنند. این مشکلات و گره‌هایی که از ناحیه‌ی مسائل تأمین اجتماعی یا از ناحیه‌ی قراردادهای موقت و امثال اینها و یا از ناحیه‌ی ضعف مدیریت بعضی از مدیران کارخانجات - که منجر به بیکاری کارگر می‌شود - پیش می‌آید، اینها را یکی یکی با حوصله، با تدبیر و با پیگیری مستمر حل و باز کنند، مشکلات جامعه‌ی کارگری حل خواهد شد.

🕌 رابطه کارگر و کارفرما در اسلام و غرب

یک مسئله مربوط به روابط و احساسات کارگر و کارفرماست. این روابط در اسلام، برخلاف روابط کارگر و کارفرما در مکاتب مادی است. در مکاتب مادی، چه مکتبهای سرمایه‌داری - که یکسره طرفدار سرمایه‌دارند و به کارگر مثل ابزار کار و ماشین نگاه می‌کنند - و چه در مکتب کمونیسم - که خود را طرفدار قشر کارگر می‌دانستند و وانمود می‌کردند که بهشت را برای کارگران در همین دنیا به ارمغان خواهند آورد و عملکردشان نشان داد که دوزخ زندگی را، نه فقط بر کارگر، بلکه بر دیگر قشرهای جامعه ملت‌بتر می‌کنند - در هر دو نظام (چه نظام سرمایه‌داری و چه نظام کمونیستی) رابطه‌ی کارگر و کارفرما، رابطه‌ی خصمانه است. در نظام سرمایه‌داری، رابطه، رابطه‌ی استثمارگری و فشار کار از آن ناحیه است؛ در نظام کمونیستی هم کارفرما را مثل یک شیطان مجسم و یک هیولائی تصویر می‌کردند؛ علتش هم این بود که می‌خواستند زمام همه‌ی منابع تولید و کارخانه‌ها را به دست دولت بدهند و خودشان بشوند کارفرمای بزرگ. همین کار را هم کردند و همین هم پدرشان را در آورد و نابودشان کرد؛ هم خودشان را نابود کرد و هم ملت‌هایشان را به خاک سیاه نشاند.

در اسلام این‌طوری نیست؛ در اسلام رابطه‌ی کارگر و کارفرما، رابطه‌ی دو تا دشمن نیست، رابطه‌ی دو تا همکار است؛ رابطه‌ی استثمارگری هم نیست؛ یعنی کارفرما سلطان کارگر نیست. در نظام سرمایه‌داری غربی، مالک امور، کارفرماست؛ حالا برای مصلحت ممکن است یک امتیازاتی هم برای کارگر قائل شود تا کار او را از دست ندهد؛ اما رابطه این است، او مثل ابزار کار است. نگاهش به کارگر، نگاه به یک انسان نیست، نگاه مثل یک ماشین است. اسلام این را قاطعانه رد می‌کند. کارگر و کارفرما دو عنصرند، هر کدام نباشند، کار زمین است. کارگر آن کسی است که بالمباشره کار و محصول کار را تولید می‌کند؛ کارفرما آن کسی است که زمینه‌ی این تولید را فراهم می‌کند. او تولیدکننده‌ی کار و محصول کار است؛ این فراهم آورنده‌ی زمینه و کارآفرین است. او هم نباشد، کار لنگ می‌شود؛ این هم نباشد، کار لنگ می‌شود؛ مثل دو شریک، مثل دو همسنگر. این نگاه اسلام است. هر دو باید نسبت به هم صداقت و محبت و صفا داشته

باشند؛ هم کارفرما نسبت به کارگر، هم کارگر نسبت به کارفرما. حق هر کدام به وسیله‌ی آن دیگری رعایت شود. اگر این شد، که این نگاه اسلام است؛ هم حرمت سرمایه‌گذار و کارآفرین و کارفرما باقی و محفوظ می‌ماند؛ هم حرمت کارگر و کننده‌ی کار و حاضر در صحنه. حرمت و حق هر دو محفوظ است و کشور هم به سوی اعتلا پیش می‌رود. رابطه‌ی کارگر و کارفرما این است. کارگران قدر کارفرماها را بدانند، کارفرماها هم قدر کارگران را بدانند؛ مثل دو همسنگری که اگر هر کدام آسیب ببینند، آن دیگری هم آسیب خواهد دید؛ مسئله این است. تنظیم این روابط هم به عهده‌ی مسئولان کشور است؛ چه آنهایی که قانون می‌گذارند و چه آنهایی که قانون را اجرا می‌کنند. این هم یک مطلب است که باید مورد توجه باشد.

نفس «کار» از نظر اسلام

یک مطلب دیگر این است که همه‌ی کارگراها - چه کارگران ماهر و تحصیل کرده‌ی سطح بالا، چه کارگران متوسط و چه کارگران ساده‌ی معمولی - این نکته را باید بدانند که خود نفس «کار» از نظر اسلام، عمل صالح است. این که «انّ الانسان لفسى خسر الاّ الذین امنوا و عملوا الصالحات»؛ این عمل صالحی که انسان را از خسران خارج می‌کند، این فقط نماز خواندن و روزه گرفتن و زیارت رفتن و ذکر گفتن نیست؛ آنها هم هست؛ اما کار و وظیفه‌ی زندگی را خوب انجام دادن هم عمل صالح است و یکی از مهمترین‌هایش «کار» است.

در روایت وارد شده است که اگر پیغمبر می‌دید یک آدم جوانی و قادر بر کاری نشسته است، تنبلی می‌کند و کار انجام نمی‌دهد، می‌فرمود: «سقط من عینی»؛ از چشمم افتاد. کار، عمل صالح است. شنیده‌اید، پیغمبر دست این صحابی را دید زمخت و پینه‌بسته است؛ گفت: چرا دست این‌طور است؟ گفت: یا رسول الله! من با این دست کار می‌کنم. پیغمبر این دست را گرفت و بوسید و فرمود: «هذه ید لا تمسه النار»؛ آتش، این دست را لمس نمی‌کند. عمل صالح بالاتر از این؟! این‌طوری کار کنید. وقتی به کارگاه می‌روید، وقتی به مزرعه می‌روید، وقتی به محیط کار می‌روید، از هر نوع کاری که اسمش «کار» است؛ چه آن کار کارگر ماهر و متخصص سطح بالا - که امروز بحمدالله کارگران ماهر متخصص سطح بالا ما در کشور کم نداریم - چه کارگران متوسط و چه کارگر ساده - آن کارگر ساده هم عیناً همین‌طور است - وقتی پای ماشین می‌رود یا در هر نقطه‌ای از نقاط کارخانه که می‌خواهد مشغول کار شود، بداند این کاری که امروز او می‌خواهد بکند، کاری است که خدای متعال برای این کار به او ثواب و اجر خواهد داد. نفس کار ارزش دارد؛ غیر از اینکه «کار» وسیله‌ی اعاشه و درآمد زندگی است؛ که آن هم به جای خود مطلب مهم و عبادت دیگری است.

شما ببینید اگر در یک کشوری جامعه‌ی عمومی آن کشور به کار با این چشم که کار عبادت است، نگاه کنند آن وقت وضع پیشرفت اقتصادی و علمی آن کشور به کجا خواهد رسید. این منطق اسلام است. لذا

اگر ما نسبت به کارگر در هر سطحی احساس ارادت و محبت می‌کنیم، این گزاف نیست؛ این به خاطر آن است که پشت این احساس محبت و احترام، یک چنین فرهنگ عمیق و غنی اسلامی‌ای وجود دارد.

🔗 تلاش دولت و مسئولان برای محو مشکل بیکاری

ما الحمدلله جامعه‌ی کارگری‌مان این است. البته ما در کشور مشکل اشتغال داریم و این مشکل بیکاری در کشور، باید ان شاءالله با تلاش دولت و این مسئولان خدمتگزار - که من می‌بینم اینها شب و روز نمی‌شناسند و دائم مشغول کارند - و با تدبیر اینها به تدریج، بکلی محو بشود. این بیکاریهای عارضی‌ای هم که پیش می‌آید که عرض کردیم بعضی از کارخانه‌ها بر اثر ضعف مدیریت یا بی‌کفایتی مدیر یا بعضی انگیزه‌های خدای نکرده سودجویانه، کارش به جایی می‌رسد که کارگر را محروم و بیکار می‌کند؛ اینها را باید آقایان دنبال کنند و باید برداشته شود. جامعه‌ی ما تاب تحمل این مشکل را ندارد.

🔗 انقلاب، ما میتوانیم را به ملت داد

ما داریم الان از یک سراشیب تندی با قوت و قدرت بالا می‌رویم؛ ما الان متوقف نیستیم. جامعه‌ی ما، یک جامعه‌ای است که دارد با قدرت پیش می‌رود. مستکبرین عالم را می‌بینید که چطور دارند یقه‌شان را پاره می‌کنند! این حرفهایی که امثال بوش و اطرافیان او می‌زنند، اینها یقه پاره کردن است، دارند یقه‌ی خودشان را پاره می‌کنند. این به خاطر همین است که شما دارید با قدرت تمام پیش می‌روید. جامعه‌ی ایرانی توقف نکرده است. انقلاب آمد، راه را باز کرد و به این قدرت اعتماد به نفس افزود. در قبل از پیروزی انقلاب، هم راهها را می‌بستند و هم انگیزه‌ها را سست می‌کردند و می‌گفتند آقا! ایرانی که نمی‌تواند، ایرانی که عرضه ندارد؛ این را بزرگان‌شان می‌گفتند و صریحاً هم می‌گفتند. می‌زدند توی سر این نسل بارآور و این استعداد جوشان؛ که یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌های آنها این است. انقلاب آمد، هم راه را باز کرد و هم گفت آقا! شما می‌توانید. رفتیم دیدیم راست می‌گویند، «توانستیم». این کشوری که در طول سال‌های متمادی، فقط چند سد در این کشور ساخته شده بود، آن هم همه‌اش به دست بیگانه‌ها؛ چه کسی باور می‌کرد که این کشور در سدسازی در کل منطقه، از لحاظ فناوری و توانایی و قدرت علمی و قدرت محاسبه و امثال اینها اول بشود! این کشوری که اکثر مناطقش از نیروی برق معمولی محروم بودند، چه کسی باور می‌کرد حالا در یک راهی بیفتد که انرژی و فناوری هسته‌ای را - آن هم خودش، نه از دیگران وام بگیرد - فراهم کند، برای اینکه بتواند انرژی خودش را از این شیوه‌ی پیشرفته‌ی دنیا تهیه کند! چه کسی فکر می‌کرد؟! رفتیم، دیدیم می‌شود رفت؛ اقدام کردیم، دیدیم می‌توانیم. این ملت این تجربه را دارد. بعد از این هم همین‌طور است.

تکلیف الهی که بر دوش همه ماست

همه‌ی جوان‌های کشور، همه‌ی صاحبان فکر و تدبیر و همه‌ی پیرهای کشور، زن و مرد، باید همت کنند در این حرکت عظیم و همگانی این ملت، خودشان را سهیم کنند و می‌شود. شما هر جا هستید و هر جا مشغول کارید، بدانید همان جا یک گوشه‌ای از این جبهه‌ی وسیع است؛ اگر همان جا خوب و منضبط و وفادارانه و با مهارت کار کنید، در این جبهه اثر گذاشته‌اید. و دشمن این را نمی‌خواهد؛ این را هم توجه داشته باشید. دشمنان ما و استکبار خبیث جهانی فهمیده‌اند که با ملت و جمهوری اسلامی ایران در میدان جنگ نظامی نمی‌شود وارد شد؛ برایشان خسارت‌های زیادی دارد و درست هم هست و این را درست فهمیده‌اند. دارند بودجه می‌گذارند و سعی‌شان این است که داخل قشرهای مردم - در بین دانشجویها، در بین کارگرها، در بین دستگاه‌های اداری، در بین کارمندا و در بین قشرهای مختلف - اختلاف ایجاد کنند تا نگذارند کشور این راهی را که دارد طی می‌کند، این راه را طی کند. امروز دشمن دنبال این است. همه باید هوشیار باشند. تکلیف الهی بر دوش همه‌ی ما این است که هر کدام، هر جا هستیم، چشم و گوشمان را از همیشه بیشتر باز کنیم و ببینیم دشمن برای این نقطه‌ای که ما قرار داریم، چه طراحی‌ای کرده است؛ نگذاریم او در این طراحی کامیاب شود؛ این وظیفه‌ی ماست.

رابطه کارگر و کارفرما در مکتب اسلام، سرمایه‌داری و کمونیسم

- درس پیامبر (ص) به امت اسلامی نسبت به کارگران
- تفاوت نگاه در دنیای اسلام و دنیای مادی به کار
- ماجرای کارخانه جنرال موتور در سال ۵۷
- دو عنصر مهم در پیشرفت کشور:
 - ۱- علم
 - ۲- تولید
- سیاستهای اصل ۴۴ باعث سوء استفاده قانوندان
- های قانون شکن نشود
- رابطه کارگر و کارفرما در اسلام و غرب
- همت مضاعف برای رسیدن به آنچه که باید در شأن
- ملت ایران باشد
- استفاده از نیروی انسانی با استعداد ایرانی

رابطه کارگر و کارفرما در مکتب اسلام، سرمایه‌داری و کمونیسم*

درس پیامبر (ص) به امت اسلامی نسبت به کارگران

ایام هفته‌ی کارگر صرفاً متعلق به کارگران عزیز ما نیست؛ متعلق به همه‌ی ایرانیان است؛ چون قشر کارگر در حقیقت یکی از صفوف مقدم تلاش عمومی کشور و ملت برای ساختن فرداست. آنچه که اسلام در مورد کارگر - به معنای عام کلمه - بیان میکند، تعارف نیست؛ برای دلخوش کردن نیست. وقتی پیغمبر عظیم‌الشأن اسلام خم میشود و دست یک کارگر را میبوسد، این را دیگر نمیشود حمل کرد بر یک عمل تعارف‌آمیز؛ این فرهنگ‌سازی است، درس است؛ این برای این است که در امت اسلامی و در طول زمان و تاریخ، سرپنجه‌ی ماهر کارگر و بازوان فعال کارگر قدرشناسی شود. ما با این چشم به طبقه‌ی کارگر نگاه میکنیم. کارگر ساده، کارگر ماهر، مهندس، طراح و همه‌ی کسانی که در سلسله‌ی تولید کار و تولید محصول تلاش میکنند، مشمول این تکریم و تجلیل اسلام قرار دارند.

تفاوت نگاه در دنیای اسلام و دنیای مادی به کار

مطالبات کارگری - که مطالبات مادی است - به جای خود محفوظ؛ و همه موظفند این مطالبات مادی را که حق هم هست، رسیدگی و برآورده کنند؛ لیکن یک مطالبه‌ی معنوی هم وجود دارد و آن، شأن کارگر است؛ اهمیت به تلاش و فعالیت کارگر است؛ فهمیده بشود که این یک جهاد است؛ این مهم است. کارگر در پشت دستگاه، یاد در حین طراحی و نقشه‌پردازی، یاد در کار در مزرعه، یاد در هر نقطه‌ای که کار دارد تولید میشود و محصولی دارد به وجود می‌آید، باید احساس کند و بداند که یک عمل بزرگ را، یک عمل مهم را، یک ارزش

را دارد به وجود می آورد؛ اسلام این را می خواهد بیان کند. این، اعتقاد قلبی ماست. خیلی فاصله است بین این نگاه و نگاه دنیای مادی، اعم از دنیای سرمایه داری یا دنیای سوسیالیستی که به کارگر به عنوان یک ابزار نگاه میکند. امروز در دنیای سرمایه داری، گاهی بعضی از کارگرها از لحاظ برخورداری مادی وضعیتشان هم خوب است - البته عمومیت ندارد، بعضاً اینجور است که وضعیتشان خوب است - لیکن همان هم از چشم کارفرما، از چشم سیاستگذاران کار و تولید، یک ابزار است؛ مثل یک پیچ و مهره؛ تا وقتی ارزش دارد که بتواند به آنها ارزش مادی تحویل بدهد، پول تحویل بدهد. خیلی فاصله است بین این نگاه به کارگر، و این نگاه که کارگر را یک مجاهد فی سبیل الله میدانند؛ برای کاری که او انجام میدهد، فراتر از همه ی اجرهای مادی، یک اجر الهی، یک ارزش الهی، یک پاداش الهی در نظر میگیرد؛ اینها خیلی با هم فاصله دارد؛ این لازم است، این آن نیاز حقیقی است.

✿ ماجرای کارخانه جنرال موتور در سال ۵۷

در نظام اسلامی، در جمهوری اسلامی عزیز کشورمان، قشر کارگر از اول انقلاب تا امروز، یک امتحان بسیار خوبی پس داده است. در دوران جنگ تحمیلی، همه ی کسانی که بودند، شاهد بودند و دیدند حضور قشر عظیم کارگر را، کارگر شهری و روستائی را، کارگر صنعتی و کشاورزی را، کارگرهای خدماتی و غیره را؛ حضور اینها را در عرصه های نظامی یا در عرصه های پشتیبانی نظامی، همه مشاهده کردند و دیدند که کارگران ما در آن هشت سال نقش آفرینی کردند. غیر از آن، از اول انقلاب تا امروز، کارگران در نظام جمهوری اسلامی، یکی از بهترین امتحانها را پس دادند.

میدانید قشر کارگر و شعارهای سیاسی ای که در دنیا برای قشر کارگر فراهم میشود، همیشه یکی از اهرمهای فشار بر ضد حکومتهاست. در نظام جمهوری اسلامی، از روز اول دشمنانی سعی کردند از این اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند. بنده خودم در روزهای نوزدهم و بیستم و یکم و بیست و دوم بهمن سال ۵۷ چند روز متوالی به خاطر یک حادثه ای، یک علتی، خبری که به ما دادند، رفتم به یکی از کارخانجات جاده ی کرج. خود کارگرها به ما خبر دادند، از خود کارخانه به ما خبر رسید که یک عده ای از وابستگان به گروهکهای مارکسیستی و چپ رفتند آنجا، تصمیم دارند آنجا را پایگاهی قرار بدهند - آنجا هم که خوب، ولوله ی کارگر است؛ این همه کارخانه در جاده ی قدیم کرج به صورت متراکم حضور دارند - کارگرها را از آنجا جمع کنند، راه بیفتند به طرف بیت امام و به طرف مدرسه ی علوی که امام در آنجا ساکن بودند، و به خیال خودشان اوضاع را قبضه کنند و در دست بگیرند. بنده رفتم آنجا. آن کارخانه حدود سیصد چهارصد نفر کارگر داشت. عده ای که در آن سالن اجتماع کرده بودند، هفتصد هشتصد نفر بودند؛ یعنی غیر کارگرها هم آمده بودند. چند روز من در آن کارخانه صبح رفتم، عصر برگشتم؛ صبح رفتم، شب برگشتم؛ یک روز نزدیک به هفت ساعت بنده پشت تریبون ایستادم، صحبت کردم، حرف زدم؛ کسی از آنها آمد، شعار داد، استدلال کرد، جواب دادم، توجیه کردم. بالاخره کارگرها خودشان آن گروه مخرب را از کارخانه اخراج کردند، بیرونشان

کردند. از آن روز تا امروز، ایجاد شعار سیاسی، به دست گرفتن اهرم سیاسی به وسیله‌ی کارگر علیه اسلام و علیه نظام اسلامی، در برنامه‌ی دشمنان اسلام و دشمنان جمهوری اسلامی بوده است. سی سال است که آنها تلاش میکنند از این اهرم علیه نظام جمهوری اسلامی استفاده کنند، و سی سال است که کارگران کشور ما توی دهن آنها میزنند. این، شناخت ما از قشر کارگر است. این، صمیمیت بین قشر کارگر و نظام اسلامی است، که تکیه دارد بر ایمان؛ تکیه دارد بر آن پایه‌ی مستحکمی که نظام اسلامی بر اساس آن به وجود آمده است. لذاست که حرکت مجموعه‌ی کشور، در جهت تولید، با محوریت کارگر و تولیدکنندگان کار - اعم از کارگر و کارفرما - پیش خواهد رفت و نمیتواند اخلالی به وجود بیاورد.

🔗 دو عنصر مهم در پیشرفت کشور:

🔗 ۱- علم

خوب، حالا به ماهیت قضیه نگاه کنیم. پیشرفت مادی کشور در درجه‌ی اول، متوقف بر دو عنصر است: یک عنصر، عنصر علم است؛ یک عنصر، عنصر تولید است. اگر علم نباشد، تولید هم صدمه می‌بیند؛ کشور با علم پیش میرود. اگر علم باشد، اما بر اساس این علم و بر بنیاد دانش، تولید تحول و تکامل و افزایش پیدا نکند، باز کشور در جا میزند. عیب کار ما در دوران حکومت طواغیت این بود که نه علم داشتیم، و چون علم نبود، نه تولید متکی بر پایه‌ی علم و پیشرونده و رشدیابنده داشتیم. لذا دنیا وقتی وارد میدان صنعت شد، پیش رفت؛ قاره‌ی آسیا که دیرتر از اروپا وارد میدان صنعت شده بود، پیش رفت؛ ولی ما بر اثر حکومت این طواغیت و شرائط گوناگون، عقب ماندیم. اگر می‌خواهیم جبران کنیم - که می‌خواهیم، و ملتمان حرکت هم کرده است و به میزان زیادی پیش هم رفته است - باید به علم و تولید اهمیت بدهیم؛ باید در مراکز علم، در مراکز تحقیق، با شکلهای نو و مدرن پیگیری شود. چند سال است که من روی مسئله‌ی علم تکیه میکنم و الحمدلله چرخهای پیشرفت علمی و تولید علم در کشور به حرکت درآمده است؛ البته باید باز هم سرعت بگیرد، هنوز اول راهیم.

🔗 ۲- تولید

و دوم، تولید است. تولید، چه در عرصه‌ی صنعت، چه در عرصه‌ی کشاورزی، از اهمیت درجه‌ی اول برخوردار است. کشوری که تولید نداشته باشد، خواهی نخواهی وابسته است. اگر همه‌ی نفت و گاز دنیا هم زیر زمینهای ما و در چاههای ما ذخیره شده باشد، به دردمان نمیخورد؛ کمالینکه می‌بینید کشورهایی وجود دارند که از لحاظ ذخائر معدنی و طبیعی - چه ذخائر انرژی، چه ذخائر فلزهای بسیار ذی‌قیمت و کمیاب - در کمال ثروتمندی هستند؛ اما خودشان بر روی این زمینی که زیرش این همه گنج خفته است، زندگی نکبت‌بار و فلاکت‌باری دارند. باید تولید در کشور - بخصوص تولید دانش‌بنیان، متکی به دانش و مهارتهای علمی و

تجربی - پیش برود؛ این به دست کارگر و کارفرماست. مدیریت آن هم با دولت است؛ بایستی سازماندهی کنند، کار کنند. این سیاستهای اصل ۴۴ که ما چند سال پیش به دستگاههای دولتی و قانونگذاری ابلاغ کردیم، میتواند نقش ایفاء کند؛ منتها بایستی همه‌ی دقت لازم را در اینجا بکنند.

سیاستهای اصل ۴۴ باعث سوءاستفاده قانوندان‌های قانون شکن نشود

بشر موجود عجیبی است عزیزان من! گاهی عبادت و نماز شب هم میشود وسیله‌ی نفوذ شیطان، وسیله‌ی فریب نفس خود انسانی که دارد نماز شب میخواند! همه‌ی ایده‌های خوب، همه‌ی فکرهای خوب و شریف میتواند منفذی بشود برای شیطان. سیاستهای اصل ۴۴ خیلی خوب است، خیلی لازم است و حتماً باید با گسترش تمام اجرا شود؛ اما مراقب باشند مثل آن نماز شب دام شیطان نشود. از اینجا هم ممکن است شیطانها نفوذ کنند. بارها گفته‌ام؛ آدمهای سوءاستفاده‌چی، قانوندانهای قانون شکن، کسانی که بلدند چه جوری سر مأمور و مسئول و رئیس و مرئوس و آدم کوچه و بازار را بیچانند، برای اینکه به یک طعمه‌ای دست پیدا کنند؛ اینها کارخانه را بخرند، بعد به بهانه‌های گوناگون کارخانه را زمینگیر کنند، کارگرها را بیکار کنند؛ بعد از ماشین‌آلات فرسوده‌ی همان کارخانه، پول فروشش را در بیاورند، از زمین آن کارخانه هم به میلیاردها و آلف و الوف برسند؛ از این کارها شده است، میشود؛ باید همه حواسشان جمع باشد.

رابطه کارگر و کارفرما در اسلام و غرب

مسئله‌ی دیگر در زمینه‌ی کار، رابطه‌ی کارگر و کارفرماست. هر دو روشی که در دنیای متعارف زمان ما معمول بود - روش سوسیالیستی و روش سرمایه‌داری - غلط است. در منطق تفکر سوسیالیستی، کارگر و کارفرما دو تا دشمن بودند در مقابل هم؛ دو تا دشمن، به خون هم تشنه؛ این تحلیلشان بود. راه‌حلی هم که نشان دادند، راه‌حل ضایع باطل غلطی بود: مالکیت دولت بر همه‌ی منابع تولید و ابزارهای تولید؛ که بعد از گذشت چند دهه، به آن فضاقت انجامید. آن یک نگاه بود، که نگاه دشمنی و ستیزه‌گری بین کارگر و کارفرما بود. نگاه دیگر، نگاه منطق غربی است که کارفرما سلطان کارگر است، صاحب اختیار کارگر است، کارگر ایزاری است در دست او و در اختیار او. این هم تحقیر شخصیت انسان است؛ غلط اندر غلط. هر دو نگاه، غلط است.

نگاه اسلام این نیست. نگاه اسلام، نگاه همکاری است. اینها دو تا عنصرند؛ وقتی که با هم ترکیب شدند، کار به وجود می‌آید. برخلاف نگاه چپ و مارکسیستی که همه چیز را بر اساس تضاد میدانست - که بحمدالله از صفحه‌ی تفکرات فلسفی دنیا محو شد - نظر اسلام، نظر التیام است؛ نظر همکاری است. دو عنصر به جای اینکه با هم ضد باشند تا تولید یک موجود سومی را بکنند، با هم التیام پیدا میکنند تا موجود سومی به وجود بیاید. این، نگاه اسلام است؛ نگاه طبیعت، نگاه سنت الهی و قوانین آفرینش. در همه‌ی قضایای عالم همین جور است؛ از قضایای طبیعی، تا قضایای سیاسی، تا قضایای تاریخی، اقتصادی و غیراقتصادی. نظریه‌ی اسلام در مقابل نظریه‌ی تضاد مارکسیستی، نظریه‌ی التیام و ائتلاف و ازدواج و همراهی و همسوئی است. در

مورد مسئله‌ی کارگر و کارفرما هم همین است؛ دو تا عنصرند، اینها باید دستها را در دست هم بگذارند تا کار به وجود بیاید، تا تولید به وجود بیاید. کارگر بدون کارفرما کاری از او ساخته نیست، کارفرما هم بدون کارگر هیچ کاری نمیتواند بکند. این دو تا کنار هم که قرار گرفتند، یک رابطه‌ی سالم، اخلاقی و انسانی بین خودشان تعریف کردند، آن وقت فضا میشد فضای گسترش تولید. علاوه بر پیشرفت مادی، معنویت هم به وجود می‌آید. این، نگاه ماست. ما نه کارفرما را مثل آن جریان چپ، ملعون و مطرود میدانیم؛ نه مثل آن جریان راست، سلطان و صاحب‌اختیار میدانیم؛ نه، کارفرما میتواند عنصر شریفی باشد - وقتی حقیقتاً همکاری بکند، واقعاً شریف است - عنصر شریف دیگری در کنار عنصر شریف کارگر؛ با همدیگر، دست در دست هم، با روابط تعریف شده‌ی انسانی و اسلامی حرکت کنند. این، آن پایه‌ی کار است. همه باید در این جهت کار کنند. طراحان، سیاست‌سازان، سیاستمداران، کسانی که در مرحله‌ی اجرا قرار دادند، باید در این جهت کار کنند. آن وقت خود کارگر و خود کارفرما هم باید با اخلاص کامل سعی کنند محصول کارشان کشور را جلو ببرد.

🏠 همت مضاعف برای رسیدن به آنچه که باید در شأن ملت ایران باشد

ما عقبیم عزیزان! البته اگر با دوران طاغوت مقایسه کنیم، خیلی جلوئیم. در دوران طاغوت، برای کوچکترین بخش و عنصر از مجموعه‌ی تولید و ماشین و کارخانه و صنعت، ما محتاج بیگانه بودیم. کارخانه‌هایی هم که تولید میشد، کارخانه‌های مونتاژ و صد در صد وابسته‌ی به بیگانه‌ها بود. نه طراحی بلد بودیم، نه ساخت بلد بودیم، نه شناخت عناصر لازم بلد بودیم. همه چیز را باید از دیگران می‌گرفتیم، می‌خواستیم، التماس می‌کردیم، نفت میدادیم، پول میدادیم، آبرو میدادیم، قدرت سیاسی میدادیم، زیر بار سلطه‌ی آنها میرفتیم تا به دست بیاوریم. امروز ملت ایران خدمات فنی را صادر میکند. امروز کشور شما یکی از برجسته‌ترین و در طراز بالای سدسازی و نیروگاه‌سازی در همه‌ی دنیاست. این کجا، آن کجا؟ امروز کارهایی را که شما دارید انجام میدهید - کارهای صنعتی، خدمات صنعتی، خدمات فنی - در بسیاری از کشورها مشتری دارد. در خیلی از کشورهای دنیا خطوط تولید دارید راه می‌اندازید. اصلاً این حرفها در دوران طاغوت معنی نداشت. ما برویم برای یک کشوری، یک کشور پر جمعیت، احیاناً دارای نفت، دارای ثروت، خطوط تولید راه بیندازیم؟! تولید صنعتی؟! این حرفها اصلاً معنی نداشت؛ اما امروز تحقق پیدا کرده است. بنابراین نسبت به گذشته، ما خیلی جلوئیم؛ اما نسبت به آنچه که شأن ملت ایران است، نسبت به آنچه که لازمه‌ی میراث تاریخی ماست، نسبت به آنچه که باید ایران در مجموعه‌ی کشورهای دنیا باشد، ما عقبیم؛ باید جلو برویم. خیلی کار لازم داریم. من که عرض میکنم «همت مضاعف»، برای این است. همتان فقط این نباشد که حالا این سنگ را از جلوی پایمان برداریم - این که چیزی نیست - همتان باید رسیدن به سر قله باشد. همت مضاعف یعنی این. خوب، این مفت به دست نمی‌آید؛ این با حرف زدن و گفتن و به‌به و چه‌چه کردن به دست نمی‌آید؛ این با ورود - به معنای حقیقی کلمه - توی میدان کار و ابتکار به دست می‌آید.

همت کارگر، همت مهندس، همت طراح، همت پژوهشگر مرکز پژوهشی و تحقیقی - که دارد از این کار

پشتیبانی علمی میکند - همت کارفرما و پشتیبانی کننده مالی، همت مسئول دولتی، همه‌ی اینها باید مضاعف بشود، چند برابر بشود، و میشود و میتواند بشود. ظرفیت من و شما خیلی بیش از اینهاست عزیزان من! یک وقت هست انسان یک کاری که برخلاف ظرفیت کسی است، به او پیشنهاد میکند؛ خوب، این عقلایی نیست؛ اما شما یک وقت به یک جوانی که وقتی به اندام او نگاه میکنید، وقتی به عضلات او نگاه میکنید، می‌بیند او میتواند یک کشتی گیر درجه‌ی یک باشد، میتواند یک ژیمناست درجه‌ی یک باشد، میتواند در فلان رشته‌ی ورزشی بشود درجه‌ی یک، میتواند ستاره‌ی این کار بشود؛ میگوئید: آقا برو تلاش کن. این فرق میکند با آن آدم ضعیفی که بیست سال هم ورزش بکند، نمیتواند یک کشتی گیر خوب بشود. ملت ایران مثل همان جوان با استعداد خوش اندام دارای ظرفیتی است که اگر چنانچه تلاش لازم را بکند، میرسد به آن قله، میشود ستاره. ملت ایران اینجوری است؛ این را نشان هم داده. اینها ادعا نیست، شعار نیست؛ اینها واقعیهایی است که از لحاظ مطالعات برای ما روشن بود، تجربه‌ی این سی سال هم برای ما آن را مثل روز واضح کرد.

استفاده از نیروی انسانی با استعداد ایرانی

ملتی که هیچ کس به او کمک نمیکند، درهای محصولات صنعتی و پیشرفتهای فناوری را به روی او میبندند، بعد نسل دوم و سوم و چهارم سانتریفیوژ را خودش تولید میکند! همه‌ی دارندگان قوای هسته‌ای و صنعت هسته‌ای در دنیا مبهوت میمانند. خوب، اینها از کی یاد گرفتند؟ ملتی که از لحاظ علوم زیستی هیچ کس به او کمک نکرده، ناگهان نگاه میکنند می‌بینند از سلولهای بنیادی، حیوان تولیدی به وجود می‌آورد. در دنیا چند تا کشور این را دارند؟ هفت تا، هشت تا، نه تا کشور. در بین این همه کشورها، این همه مدعیان، ناگهان از ردیف دویستم - مثلاً فرض کنید - می‌آید به ردیف هشتم قرار میگیرد. این حاکی از چیست؟ حاکی از استعداد فوق‌العاده نیست؟ در اول جنگ، ما نمیدانستیم آر.پی. جی چیست - آر.پی. جی یک موشک کوچک است؛ آنهایی که توی جنگ بودند، آن را دیدند و بارها تجربه کردند - نه داشتیم، نه بلد بودیم، نه جزو سلاحهای سازمانی ما بود؛ حالا بعد از گذشت چند سال، با تحریم، کشور ما موشک سجیل میسازد، موشک ماهواره‌بر میسازد؛ دنیا هم همین طور و ما می‌ایستد، با تعجب نگاه میکند. اول هم انکار کردند؛ گفتند بیخود میگویند، دروغ میگویند، نمیتوانند؛ بعد دیدند نخیر، هست. در همه‌ی بخشها همین جور است. خوب، اینها معنایش چیست؟ معنایش این است که این جوان خیلی با استعداد است؛ این ملت خیلی پرفریت است؛ این نیروی انسانی خیلی باارزش و نازنین است. از این باید استفاده کرد. پس ما میتوانیم. همت مضاعف معنایش این است که این ظرفیت را به فعلیت برسانیم.

نقش کار آفرینی در پیشرفت کشور

اهمیت کار و کار آفرینی در اسلام

وجود توانمندی و ظرفیت زیاد در کشور

نمونه هایی از فضیلت کار در اسلام

دو دلیل اساسی در اهمیت کار و کار آفرینی:

۱- بودن کشور در دوران پیشرفت

۲- قرار داشتن کشور در مقابل فشار جهانی

برای بازگشت سلطه اهریمنی

تحریم اقتصادی برای به ستوه آوردن ملت ایران

وظیفه ای برای مسئولان و دلسوزان کشور در

اقتصاد مقاومتی

شرط استفاده از سیاستهای اصل ۴۴

دو کار دستگاه های دولتی نسبت به سیاستهای

اصل ۴۴:

۱- مدیریت دقیق و عالمانه منابع

۲- بهبود فضای کسب و کار

و...

نقش کار آفرینی در پیشرفت کشور

اهمیت کار و کار آفرینی در اسلام

ما دو روز قبل از این، جلسه‌ی اهل علم را داشتیم، امروز هم جلسه‌ی اهل عمل را. اگر چه بسیاری از شماها اهل علمید؛ علم را با عمل توأم کرده‌اید. و همان طور که در روایت شریف هست که: «العلم يهتف بالعمل فان اجاب و الا ارتحل»؛^۱ علم، عمل را به دنبال خود فرا میخواند، دعوت میکند. اگر عمل به دنبال علم آمد، آن وقت علم میماند، باقی میماند - یا شاید بشود گفت توسعه پیدا میکند، رشد پیدا میکند - اگر عمل به دنبال علم نیامد، علم هم باقی نمیماند. «و الا ارتحل»؛ عمل که نبود، علم هم میرود. اهمیت عمل را اینجا میشود فهمید؛ اهمیت کار را اینجا میشود فهمید. کار بدون علم، کم اثر است؛ علم بدون کار، بی اثر است. اهمیت کار این است.

خب، وقتی کار اینقدر مهم است، پس کار آفرینی هم به همین نسبت حائز اهمیت است. اگر کسی بتواند زمینه‌ی کار را فراهم بکند، یک عبادت انجام داده است. نگاه به این کاری که تولید میشود، فقط از جنبه‌ی این نباشد که ما یک بی کار را دستش را به یک کاری بند میکنیم تا یک درآمدی داشته باشد؛ خب، این که البته خیلی چیز خوبی است، لازم است، بلاشک. یعنی کار آفرینی، ایجاد اشتغال در کشور موجب میشود که ثروت تولید بشود؛ همچنانی که سرمایه و سرمایه‌دار، ایجاد کار میکند - چه سرمایه‌ی مالی، چه سرمایه‌ی علمی - کارگر هم ایجاد سرمایه میکند، ایجاد ثروت میکند. این البته یک جنبه‌ی مهمی است در اشتغال، اما اهمیت اشتغال فقط این نیست. یک بعد دیگر اهمیت اشتغال این است که شما یک گنج را دارید استخراج میکنید. یک انسانی که در او استعدادهایی وجود دارد، میتواند تولید کند، میتواند

* بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۶/۱۶

۱. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۶۳

بیافریند، این افتاده بود آنجا، شما دست او را به کار بند کردید، این گنجینه‌ی درونی استخراج شد؛ خیلی اهمیت دارد. انسانی که کار ندارد، اشتغال ندارد، یک استعداد پنهانِ مخفیِ خداداده را غالباً بدون اختیار خودش را کد گذاشته، وقتی شما این انسان را مشغول کار میکنید، این چشمه که در درون بود و از او استفاده‌ای نمیشد، تشنه‌ای از او سیراب نمیشد، این چشمه را شما به جریان می‌اندازید. پس اشتغال و اشتغال‌آفرینی، هم جنبه‌ی اقتصادی بزرگی دارد، هم جنبه‌ی انسانی خیلی والائی دارد.

لذا من عرض میکنم که کارآفرینی در بخشهای مختلف -البته امروز این جمع دوستان و عزیزانی که صحبت کردند، بخشهای محدودی را مطرح کردند. اینها فقط نیست؛ در بخشهای وسیع و گسترده‌ی عظیم استعدادهای کشور و توانائی‌های طبیعی و انسانی کشور، کارآفرینی رشته‌های فراوانی دارد که خب یک گلچینی از آنها شماها هستید؛ مشتی از خروار. کارآفرینی در کشور گسترده است -عبادت است؛ این کارآفرینی یک عبادت است؛ یک کار باارزش است؛ یک ارزش‌آفرینی است.

🌱 وجود توانمندی و ظرفیت زیاد در کشور

خب، این جلسه‌ی ما عمدتاً یک جلسه‌ی نمادین است. درست است که هم من از بیانات دوستان استفاده کردم، هم مطالب شما پخش خواهد شد و ملت استفاده خواهند کرد؛ لکن این جلسه نشان میدهد که توانمندی‌های کشور عزیز ما چقدر گسترده است. شما ملاحظه کنید، حالا فرض کنید اگر در بخش کشاورزی، در بخشهای مختلف صنعتی، در بخشهای گوناگونِ دانشهای دیگر و فناوری‌های دیگر، در بخشهای خدمات، در بخشهای بازرگانی، بیایند کارهایی را که انجام گرفته است بیان کنند، هر شنونده‌ای خواهد دید و برآی‌العین مشاهده خواهد کرد که بحمدالله کشور عزیز ما -همان طور که من بارها گفته‌ام - توانمندی‌های زیادی دارد، ظرفیت زیادی دارد. ما امروز در واقع کشور را مشاهده میکنیم که به شکل یک کارگاه عظیم و وسیعی درآمده؛ از همه طرف دارد کار می‌جوشد، ابتکار به وجود می‌آید، نوآوری هست، تکیه‌ی به دانش هست، تکیه‌ی به تجربه هست.

خب، من پریروز به استادان دانشگاه‌ها که اینجا تشریف داشتند، به آنها هم گفتم، به شما هم عرض میکنم؛ نه اینکه خیال کنید ما به این چیزها قانعیم، یا نرخ بیکاری در کشور را اطلاع نداریم و نمی‌بینیم؛ نه، همه‌ی این کارهایی که انجام گرفته، قدم اول است؛ همه‌ی این کارها قدمهای اول است. ما قدمهای بعدی را باید برداریم. مهم برای برداشتن قدم بعدی چیست؟ مهم در درجه‌ی اول این است که ما بدانیم میشود قدم برداشت. بعد از آنی که فهمیدیم اقدام، ممکن است، احساس کنیم که این اقدام یک وظیفه است؛ یک وظیفه‌ی عظیمی است.

🌱 نمونه‌هایی از فضیلت کار در اسلام

البته کار فی‌نفسه مهم است؛ اما امروز به دو دلیل اساسی کار و کارآفرینی مهم‌تر از همیشه است. اینی

که گفتند کار در اسلام مهم است، خب این همه روایات فراوانی از ائمه (علیهم‌السلام) در اهمیت کار، در فضیلت کار وارد شده که این کارهایی که شما ذکر کردید، نمونه‌هایی از همین چیزی است که مورد فضیلت است، که حالا من این روایت را اینجا یادداشت کردم: «من يعمل یزدد قوّة و من یقصر فی العمل یزدد فتره»؛^۲ کار که نکنید، نیروی کار هم افزایش پیدا میکند. خاصیت کار، کاهش نیست، افزایش است؛ افزایش خودِ نیروی کار، نه محصول کار. خب، محصول کار که معلوم است افزایش پیدا میکند - وقتی کار کردید، کار یک محصولی دارد - اما در این روایت، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) میفرماید که وقتی کار کردید، قدرت کار و نیروی کار هم افزایش پیدا میکند. «و من یقصر فی العمل»، کسی که در کار کردن کوتاهی کند، تقصیر بکند، «یزدد فتره» یا «فتره»، فتور و سستی او افزایش پیدا میکند. این مال شخص فقط نیست؛ این «مَن» که فرمود: «من يعمل»، معنایش فقط این نیست که هر کسی این کار را بکند؛ خب، این روی اشخاص نیست، روی جوامع هم هست: هر ملتی، هر جامعه‌ای. هر چه کار نکنید، نیروی کارتان بیشتر میشود. هر چه تحرک انسان داشته باشد، نشاط حرکتش بیشتر میشود. این خب، مال کار است که در اسلام درباره‌ی کار این همه حرف هست، که از جمله حالا این روایت را من اینجا خواندم. لکن امروز گفتیم به دو دلیل کار و طبعاً کار آفرینی اهمیت بیشتری دارد.

🔗 دو دلیل اساسی در اهمیت کار و کار آفرینی:

🔗 ۱- بودن کشور در دوران پیشرفت

دلیل اولش این است که ما در یک برهه‌ای هستیم که آماده‌ی جهشیم؛ ما امروز آماده‌ی جهش در پیشرفتیم. مسئله‌ی ما امروز فقط مسئله‌ی حرکت به جلو نیست. شرائط کشور به گونه‌ای شده که این ملت میتواند یک حرکت عظیم، یک جهش در پیشرفت برای خودش به وجود بیاورد. چرا؟ اولاً زیرساختهای زیادی آماده شده؛ علم در کشور بالا رفته؛ مدیریتهای قوی به وجود آمده است. یکی از مشکلات ما در گذشته‌ها، نبودن مدیریتهای قوی و سالم در کشورمان بوده. امروز ما تجربه‌ی یک مدیریت انقلابی قوی سی ساله داریم. پس این یک زیرساخت است. زمینه‌های کار فراهم شده است؛ امید به پیشرفت زیاد شده است. وقتی می‌آیند میگویند ما داروئی را در کشور ساختیم که همه‌ی دنیا به آن احتیاج دارند، همه‌ی دنیا هم به آن مبتلا هستند، هیچ کدام از مراکز علمی دنیا هم هنوز آن دارو را نتوانستند بسازند، ما توانستیم بسازیم، این خب، امید میدهد به جوان ما. وقتی که ملت مشاهده میکند که ما بدون اینکه یک کشور پشتیبانی داشته باشیم، توانستیم از درون خودمان دانش هسته‌ای را رشد بدهیم، فوراً بدهیم، به پیشرفت برسانیم، خب جوان امیدوار میشود.

در دنیا چند تا از کشورهای دارنده‌ی دانش هسته‌ای این را به طور بومی توانسته‌اند در خودشان به وجود بیاورند؟ بسیار کم. هستند، اما بسیار بسیار نادر؛ از دیگران گرفته‌اند. بسیاری از همین‌هایی که الان -

ما این را اطلاع داریم، بنده میدانم؛ از روی اطلاع دارم عرض میکنم - دانش هسته‌ای دارند، کشورهای پشتیبان به آنها بسته‌ی دانش را اهداء کردند؛ روی دلائل ایدئولوژیکی و سیاسی و بقیه‌ی چیزها. ما نه؛ ما توانستیم خودمان این کار را انجام بدهیم. همان طور که گزارش دادند، کارهای بزرگی در این زمینه انجام گرفته. در زمینه‌ی سلولهای بنیادی، جوانهای ما توانستند با پیگیری، با پشتکار، با فراگیری، کارهای بزرگی را انجام بدهند. خب، اینها خیلی امیدبخش است.

پس امروز ما تجربه‌مان بیشتر است، امیدمان بیشتر است، زیرساختها مان زیادتر است، و فصل توانائی و فصل جهش فرا رسیده. ملت خود را شناخته؛ جوان خود را شناخته؛ ضریب بالای هوشی کشور شناخته شده است؛ پس فصل جهش است. وقتی فصل جهش است، پس کار اهمیت مضاعف پیدا میکند؛ کارآفرینی هم به همین نسبت اهمیت مضاعف پیدا میکند. این یک دلیل.

❁ ۲- قرار داشتن کشور در مقابل فشار جهانی برای بازگشت سلطه اهریمنی

دلیل دوم ما که امروز کار برامان مهم است، کارآفرینی مهم است، این است که ما امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که میخواهد با فشار اقتصادی و با تحریم و با این کارهایی که شماها میدانید، سلطه‌ی اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور. هدف این است. یک کشور به این خوبی، با این همه منابع، منابع طبیعی، با این موقعیت سوق الجیشی، با همه‌ی امکانات، زیر نگین یک قدرتی در دنیا بوده؛ یک روز انگلیسها بودند، یک روز آمریکائیها بودند - در واقع نظام سلطه، دستگاه سلطه، امپراتوری سلطه. حالا آمریکا یک گوشه‌ای از این امپراتوری است - اینها مسلط بودند بر این کشور؛ انقلاب دست اینها را کوتاه کرده. سلطه میخواهد برگردد به این کشور. همه‌ی این تلاشها برای این است.

❁ تحریم اقتصادی برای به ستوه آوردن ملت ایران

مسئله‌ی انرژی هسته‌ای بهانه است. آن کسانی که خیال میکنند اگر ما مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا میکنند. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را مطرح میکنند، مسئله‌ی حقوق بشر را مطرح میکنند، مسائل گوناگون را مطرح میکنند، که اینها بهانه است. مسئله، مسئله‌ی فشار است، میخواهند یک ملت را به زانو در بیاورند؛ میخواهند انقلاب را زمین بزنند. یکی از کارهای مهم همین تحریم اقتصادی است. میگویند ما طرفمان ملت ایران نیست! دروغ میگویند؛ اصلاً طرف، ملت ایران است. تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار میگیریم؛ رابطه‌ی ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلاً این است. البته ملت ما را نمیشناسند؛ مثل همه‌ی موارد دیگر محاسباتشان غلط اندر غلط است. از نظر نظام سلطه، گناه بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده. میخواهند مجازات کنند به خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، ای ملت! آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً محاسباتشان اشتباه

است؛ نمیفهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند میکنند. خب، اما فشار می آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریمها.

وظیفه ای برای مسئولان و دلسوزان کشور در اقتصاد مقاومتی

ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریمها را دور میزنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت ایران و مسئولین کشور تحریمها را دور میزنند، تحریم کنندگان را ناکام میکنند؛ مثل موارد دیگری که در سالهای گذشته در زمینه های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. چند مورد یادتان هست لابد دیگر. حالا جوانها نمیدانند. در این ده بیست سال اخیر، از این کارها چند بار انجام دادند. این دفعه هم همین جور است. البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است تو تحریمیم. همه ی این کارهایی که شده است، همه ی این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمیتوانند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همه ی مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند.

شرط استفاده از سیاستهای اصل ۴۴

آنچه که من از مجموع این مطالب آقایان و خانم که صحبت کردند، میفهمم - که در گزارشها هم همین را انسان احساس میکند - گله گزاری هایی از جریان امور کار وجود دارد. ما البته سنگ بنای اصلی را با سیاستهای اصل ۴۴ گذاشتیم؛ یعنی حقیقتاً اگر سیاستهای اصل ۴۴ که خود آن اصل، مفسر مواد این اصل هست، ما از خود اصل استفاده کردیم و آنچه را که در سیاستهای اصل ۴۴ هست، تبیین کردیم و اگر این، ان شاء الله به طور کامل، دقیق، همه جانبه، مستمر اجرا بشود، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

دو کار دستگاه های دولتی نسبت به سیاستهای اصل ۴۴:

۱- مدیریت دقیق و عالمانه منابع

لکن آنچه که من از مجموع این مطالب احساس میکنم، دو کار را دستگاه های دولتی مورد توقع هست که انجام بدهند: یکی، مدیریت دقیق و عالمانه ی منابع است. بسیاری از این مطالبی که گفتند، ناشی است از اینکه مدیریت منابع مالی به صورت دقیقی در همه ی موارد انجام نگرفته. این لازم است. این را من به عزیزانی از دولت که اینجا حضور دارند، توصیه میکنم که روی این تکیه کنند. بسیاری از این ایرادها و

اشکالها که خیلی اش هم وارد است، مربوط به این است. مدیریت منابع، معنایش این است که ما منابع را بکشانیم به سمتی که امروز برای کشور ارزش افزوده‌ی مالی و غیرمالی داشته باشد. مراد من از ارزش افزوده فقط ارزش افزوده‌ی مالی نیست؛ بلکه آنچه که تولید را افزایش بدهد و آنچه که کسب و کار را رونق بدهد و آنچه که امید را افزایش بدهد، اشتغال را افزایش بدهد و از این قبیل. پس یک نکته‌ی اساسی، مسئله‌ی مدیریت منابع است.

۲- بهبود فضای کسب و کار

نکته‌ی دوم، بهبود فضای کسب و کار است، که از جمله‌ی کارهایی که به نظر ما عمده‌ی وظیفه‌ی دولت هست، همین هست. وزیر محترم در گزارششان اشاره کردند به بهبود فضای کسب و کار. بهبود فضای کسب و کار، بیشتر وظیفه‌ی دولت است. همین مسئله‌ی مقررات، تسهیلات گوناگون، پیچ و خم‌های اداری فراوان، اینها همه، چیزهایی است که اگر چنانچه اصلاح بشود، بهبود فضای کسب و کار که یکی از مسائل عمده‌ی اقتصادی ماست، حاصل خواهد شد. همین پنجره‌ی یک واحد - یک پنجره برای کارها که ایشان ذکر کردند - همین یک کار، اگر انجام بگیرد، به نظر من بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. این مربوط به بخش دولتی است که بخش مهم است. وظیفه‌ی دولت، تکلیف دولت، به نظر من عمدتاً اینهاست؛ البته مسئولین وظائف فراوانی دارند، لکن پایه و مایه آنطور که انسان از مجموع گزارشها و مجموع حرفها استفاده میکند، این دو چیز است.

توجه به کار آفرینان به مرغوبیت و کیفیت تولید داخلی

یک نکته‌ی اساسی‌ای که در باب کار وجود دارد و کار آفرینان باید به او توجه کنند، مسئله‌ی مرغوبیت تولید داخلی است؛ کیفیت تولید داخلی است؛ این خیلی مهم است. البته بخشی از این، ارتباط پیدا میکند به همان قضایای مالی و نمیدانم مقررات و غیرذلک، و پشتیبانی‌های دولت؛ اما بخشی هم ارتباط پیدا میکند به عزم و اراده‌ی مسئولین، کار آفرین و کننده‌ی کار. فرمود: «رحم الله امرا عمل عملاً فائقه»؛^۳ رحمت خدا بر آن انسانی که کاری را انجام بدهد و آن را متقن انجام بدهد، درست انجام بدهد. این آینده‌نگری است، غیر از امروز. شما امروز ببینید در دنیا کمپانی‌هایی هستند صد سال است اینها دارند کار میکنند، صد و پنجاه سال است دارند کار میکنند و محصولاتشان در دنیا فروش میرود. اسم اینها کافی است که جنس را تو بازار رائج کند؛ به خاطر اینکه درست کار کردند، خوب کار کردند، مشتری مطمئن است به اینها. شما میگوئید که ما سفارش کنیم به مردم که تولیدات داخلی را مصرف کنند. من که خب چند سال است دارم سفارش میکنم؛ بنده که بارها گفته‌ام، منتها این با شعار درست نمیشود. خب، بله یک مقداری مردم حالا یک اعتمادی بکنند، یک اعتنائی بکنند به حرف ما، به خاطری که مثلاً ما گفتیم، بروند یک مقداری چه کنند؛ این یک بخشی از قضیه است. یک بخش دیگر هم مربوط به کیفیت است. خب کیفیت را باید بالا

برد؛ کیفیتها را باید بالا برد.

چند توصیه به مسئولین دولتی نسبت به اقتصاد مقاومتی:

۱- مدیریت صحیح واردات

بله، من مسئله‌ی واردات را که چند نفر از دوستان گفتند، بنده به آن عقیده دارم. در جلسه‌ی مسئولین، در همین جا اوائل ماه رمضان اعلام کردم، گفتم؛ هم به مجلس، هم به دولت که به مسئله‌ی واردات بپردازند؛ حالا هم از وزیر محترم بازرگانی تورا سؤال کردم، ایشان اطلاع دادند که کارهای خوبی در این زمینه دارد انجام میگیرد؛ بله راست است. مسئله‌ی واردات بی‌رویه و بی‌منطق ضرر بزرگی است، خطر بزرگی است؛ مردم هم باید این را بدانند. وقتی یک محصول خارجی را ما داریم مصرف میکنیم، در واقع داریم یک کارگر خودمان را بی‌کار میکنیم، یک کارگر دیگر را داریم به کار وادار میکنیم؛ این هست، منتها مسئله‌ی مرغوبیت و کیفیت خیلی مهم است؛ و استحکام؛ اینها خیلی مهم است. اگر چنانچه جنس داخلی، تولید داخلی، این خصوصیات را داشته باشد، به طور طبیعی تمایل پیدا میشود. البته متأسفانه بعضی هستند که بر اثر فرهنگ غلط دوره‌ی منحوس پادشاهی - دوره‌ی طاغوت، دوره‌ی وابستگی - هنوز چشمشان به خارج است. یک روزی بوده است که تو این کشور مسئولین دولتی ما آمدند صریح گفتند که ایرانی یک لوله‌هنگ^۳ نمیتواند درست کند! عملاً هم همه چیز را وارد کردند. در همان دوره‌ی طاغوت یک فردی از بلندپایگان دولتی که تصادفاً بنده را توی یک مجلسی - ما که با اینها هیچ وقت ارتباطی نداشتیم، ملاقات هم نمیکردیم - دید، من داشتم انتقاد میکردم از همان چیزهایی که بود. این رو کرد به ما و گفت: چی چی را انتقاد میکنید؟ ما مثل آقا نشستیم، کشورهای دیگر مثل نوکر دارند برای ما کار میکنند، کالا میفرستند داخل؛ این بد است؟ شما ببینید؛ این منطق دولتمردان دوره‌ی طاغوت بود! حالا ظاهرش این منطق است، باطنش چیزهای دیگر بود؛ فسادهای اقتصادی فراوان و فسادهای اخلاقی فراوان. بله، مسئله‌ی واردات و مدیریت واردات مهم است. ما آن روز به دوستانی که اینجا بودند، در جلسه‌ی مسئولین و کارگزاران نظام، توصیه کردیم، گفتیم واردات را مدیریت کنید؛ نمیگوئیم متوقف کنید. یک چیزهایی باید بیاید، یک چیزهایی باید نیاید. یک مدیریت صحیحی باید انجام بگیرد؛ این مسلماً هست.

۲- توسعه مهارتها

یکی از کارهای دیگری هم که حالا من اینجا یادداشت کردم که بر عهده‌ی مسئولین دولتی است، توسعه‌ی مهارتهاست. این هنرستانهای فنی و صنعتی، این دانشگاه‌های علمی - کاربردی، این فنی - حرفه‌ای‌ها، آموزش‌شده‌های فنی - حرفه‌ای، باید توسعه پیدا کند. ما به علم احتیاج داریم، اما به پنجه‌ی کارآمد هم احتیاج داریم. یکی از کارهای اساسی به نظر من این است که در زمینه‌ی صنعت و کشاورزی

بایستی کار کنیم.

۳- ایجاد نوآوری و ابتکار در تولیدات کشور

یک نکته‌ی دیگر هم مسئله‌ی نوآوری و ابتکار و زیبائی است در تولیدات کشور. از جمله‌ی چیزهایی که باید مورد توجه قرار بگیرد، نوآوری کردن در همه‌ی تولیدات به صورت پی‌درپی و لحاظ حس، یعنی اشباع حس زیبائی‌شناسی در مصرف‌کننده است. این یکی از مسائل قابل توجه هست که بایستی به آن اهمیت بدهیم. من حقیقتاً از دوستانی که در این زمینه‌ها تلاش میکنند، کار میکنند، تشکر میکنم.

۴- تربیت نیرو

این توصیه‌ی آخر را هم بکنم: به تربیت نیرو، بخصوص در صنایع دانش‌بنیان - همان طور که دوستان گفتند - بایست خیلی اهمیت داد. در بعضی از بخشها خوشبختانه این کار شده است. در بخش انرژی هسته‌ای ما اطلاع داریم، در بخش رویان از نزدیک اطلاع داریم که تربیت نیروی ماهر، نیروی کارآمد، نیروی دانشمند و محقق انجام گرفته. بایست به این در بخشهای مختلف توجه کرد.

روزی کشور، مرجع مراجعات مردم دنیا خواهد شد

خداوند ان شاءالله همه‌ی شماها را موفق بدارد. بله، ما ان شاءالله بر دشمن فائق خواهیم آمد، تحریمها را دور خواهیم زد و جوانهای ما روزهای خوبی را ان شاءالله در آینده تجربه خواهند کرد و این کشور، کشور بسیار با استعدادی است. امروز مثل روزی است که فرض کنید یک عقاب تیزپروازی که میتواند در ارتفاعات بسیار بلندی پرواز کند، از داخل صحن این فضا توانسته به پشت بام بپرد. این یک تجربه است. این سقف پرواز، خیلی بیش از اینها خواهد بود. ان شاءالله روزی خواهد رسید که هم مرجع علمی خواهد شد کشور شما، هم مورد افتخار مسلمانان خواهد شد که بگویند اسلام یک کشور را اینجور اداره کرد و هم ان شاءالله از لحاظ عملی و از لحاظ تولیدات، مرجع مراجعات مردم دنیا خواهید شد.

عرصه‌ی کار، عرصه‌ی پیکار ماست

- منطق بالای اسلام نسبت به منطق عقلانی درباره کار
- حضور وسیع و عظیم کارگران در عرصه‌های مختلف انقلاب
- کار کارگران یک مبارزه است
- حاکم بودن فضای همکاری، همدلی و صمیمیت در کار
- تمرکز دشمن بر روی اقتصاد، برای مبارزه با اسلام
- ویژگی‌هایی که باید کالای ایرانی داشته باشد
- استفاده از کالای داخلی توسط همه مردم
- مسائل مهم در سال جهاد اقتصادی
- صف بندی دستگاه‌های استکبار در مقابل جمهوری اسلامی
- جولان باطل، سرانجامی ندارد

عرصه‌ی کار، عرصه‌ی پیکار ماست

منطق بالای اسلام نسبت به منطق عقلانی درباره کار

مسئله‌ی کار و شأن کارگر و حد کارگر و جایگاه کارگر، هم در اسلام و هم در منطق عقلانی، مسئله‌ی بسیار مهمی است. در منطق عقلانی، اگر انسان ملاحظه کند در سلسله‌ی نیازهای حیاتی خود، حلقه‌ی مربوط به کار، یک حلقه‌ی اساسی و تعیین کننده است. یعنی اگر همه‌ی پولهای عالم را هم جمع کنند، عنصر کار و کارگر در کنار آن نباشد، همه‌ی نیازهای انسان بر زمین میماند. پول را نه میشود خورد، نه میشود پوشید، نه میشود استفاده کرد. آن چیزی که از ثروت انسانها و نعمتهای روی زمین، نیازهای انسان را تأمین میکند، عنصر کار است. کار هم متکی به کارگر است. بنابراین نقش بازوی توانا و سرپنجه‌ی ماهر و ذهن و ذوق و سلیقه‌ی کارگر در حیات انسان - چه حیات فردی اش، چه حیات اجتماعی اش - یک امر واضح عقلانی است. آن کسانی که به قشر کارگر و مجموعه‌ی کارگری بی توجهی و بی اعتنائی میکنند، در حقیقت این نقش اساسی و مهم را نمی بینند یا ندیده میگیرند. آن کسانی هم که کارگر را در کنار ابزار کار، مثل یک وسیله به حساب می آورند، همین جور. این، منطق عقلانی است و منطق کاملاً درستی است؛ لیکن بالاتر از این، منطق اسلام است. اسلام همین کاری را که ما میکنیم، سرپنجه‌ی کارگر انجام میدهد و نانی برای خود و دیگران فراهم می آورد، عبادت و عمل صالح میداند. یعنی مسئله‌ی کارگر و کاری که انجام میدهد، محدود و محصور نیست به زندگی این دنیا؛ بلکه خدای متعال در نقشه‌ی جامع زندگی طولانی بشر در دنیا و آخرت، برای این حقیقت، برای این پدیده - یعنی پدیده‌ی کار - یک جایگاه والائی درست کرده است. پیغمبر اکرم فرمود: «هذه يد لا تمسها النار». وقتی پیغمبر دست کارگر را گرفت و بوسید، همه

تعجب کردند. حضرت فرمود: این دستی است که آتش آن را لمس نمیکنند؛ این دستی است که به آتش نمیرسد. یعنی نماز شب هم که میخوانیم، قرآن هم که میخوانیم، توسل هم که به خدای متعال میکنیم، در واقع حجابهای بین خودمان و آتش را ایجاد میکنیم. کار هم که میکنیم، با همین کار، بین خودمان و آتش، ایجاد مانع و حجاب میکنیم. این خیلی چیز بالائی است، خیلی چیز مهمی است. این، نگاه اسلام است.

حضور وسیع و عظیم کارگران در عرصه های مختلف انقلاب

خب، حالا بیائیم به جامعه‌ی کارگری. من آنچه که مربوط به کشور خودمان و بخصوص مربوط به دوره‌ی انقلاب و مبارزات است، عرض میکنم. اولاً کارگرها در به ثمر رسیدن مبارزات ملت ایران، یک نقش مهمی ایفاء کردند. اگر جامعه‌ی کارگری - عمدتاً در نفت و در برخی از جاهای حساس و مهم دیگر - وارد میدان نمیشدند، مشکلاتی بر سر راه پیروزی انقلاب باقی میماند. بعد مسئله‌ی دفاع مقدس پیش آمد. قبل از دفاع مقدس، همین مسائلِ اوائل انقلاب پیش آمد - که خیلی از شما جوانها یا نبودید، یا یادتان نیست؛ ما از نزدیک شاهد بودیم - و کارگران و جامعه‌ی کارگری کشور نقش ایفاء کردند. خود من در روزهای بیست و یک و بیست و دوی بهمن توی یکی از همین کارخانجات نزدیک تهران در بین کارگرها بودم و از نزدیک شاهد بودم که چطور عوامل و عناصر تحریک شده‌ی چپ آن روز - یعنی کمونیستها و دنباله‌هاشان - میخواهند از یک جای حرکت به اصطلاح کارگری را شروع کنند و انقلاب اسلامی را تبدیل کنند به یک انقلاب کمونیستی و مارکسیستی. این کار داشت در تهران انجام میگرفت. آن که در مقابل اینها ایستاد، کارگرها بودند. البته آن کارخانه چند صد نفر بیشتر کارگر نداشت، اما آن را مبدأ کار قرار داده بودند. ما هم رفتیم آنجا در بین کارگرها، کارگرها صدای دین را صدای آشنا شناختند. آنها بنده را هم نمیشناختند - من یک طلبه‌ی معمولی بودم - اما دیدند صدای دین، صدای آشناست؛ صدای ضد دین‌ها، صدای ناآشنا و بیگانه بود؛ برایشان منکر بود. اگر از کارگرهای آن روز آن کارخانه کسانی باشند این حرف را بشنوند و بنشینند شرح بدهند قضایای آن سه چهار شبانه‌روزی که تقریباً ما آنجا میرفتیم می‌آمدیم - ساعتها من آنجا میماندم - یک تجربه‌ی عجیب و مهمی در کشور است. کارگرها اینجوری نقش ایفاء کردند. یعنی آن کسانی که میخواستند جامعه‌ی کارگری را در مقابل اسلام و جمهوری اسلامی غلم کنند، به دست خود کارگرها سیلی و تودهنی خوردند. در طول این سالها همیشه همین جور بوده، تا امروز هم همین جور است. بعد هم قضیه‌ی دفاع مقدس و آن هشت سال و حضور وسیع و عظیم کارگران در این عرصه پیش آمد. بعد هم حضور در میدان کار بوده است.

کار کارگران یک مبارزه است

جمله‌ای در سرود این برادران عزیز بود: «عرصه‌ی کار، عرصه‌ی پیکار ماست». این جمله، راست است.

کارگر ایرانی باغیرت و با شرف، کار را پیکار خود میدانند، مبارزه‌ی خود میداند. شما با کارتان دارید مبارزه میکنید با آن کسانی که میخواهند کشور را به ورطه‌ی سقوط اقتصادی و رکود اقتصادی و شکست اقتصادی بکشانند. جامعه‌ی کارگری عزیز ما در سرتاسر کشور بداند؛ امروز کاری که شما انجام میدهید - کار مجدّانه، کار مبتکرانه، کار مبتنی بر ذوق و سلیقه و شیوایی ذهن ایرانی - یک پیکار است، یک مبارزه است. شما با کارتان دارید با دنیای استکبار مبارزه میکنید؛ این را همه باید توجه داشته باشند.

حاکم بودن فضای همکاری، همدلی و صمیمیت در کار

خب، آنچه در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی پیش آمد و بحمدالله در جریان است، محیط صفا و محبت و برادری بین اطراف کار است. نه اینکه کسانی نمیخواهند به کارگر ظلم کنند، نه اینکه یک جاهائی ممکن است حقوقی نادیده گرفته نشود یا نیازهای مورد توجه قرار نگیرد؛ خب، از این قبیل چیزها هست؛ لیکن سیاست نظام، سیاست مسئولان، جریان کلی حاکم بر نظام اسلامی، ایجاد همدلی، همفکری، همکاری و صمیمیت بین اطراف کار است؛ هم کارفرما، هم کارگر، هم مسئولین دولتی. این چیزهایی که الان وزیر محترم و گرامی کار و امور اجتماعی بیان کردند، چیزهای مهمی است؛ بعضی از اینها انجام گرفته است، بعضی هم با صبر و حوصله و پشتکار و تا آنجائی که ممکن است با شتاب، باید انجام بگیرد و پیش برود. ما باید ان شاءالله به فضل الهی، جامعه‌ی کارگری مان یکی از جوامع برخوردار و بهره‌مند جامعه باشد.

تمرکز دشمن بر روی اقتصاد، برای مبارزه با اسلام

امسال سال جهاد اقتصادی است. جهاد اقتصادی متوجه یک نکته‌ی اساسی است در مسئله‌ی اداره‌ی کشور و مدیریت کشور؛ و آن این است که امروز دشمن برای مبارزه‌ی با اسلام و جمهوری اسلامی، بر روی مسئله‌ی اقتصاد متمرکز شده است. نه اینکه عرصه‌های دیگر را فراموش کردند؛ نه، در زمینه‌ی فرهنگ و در زمینه‌ی امنیت و در زمینه‌ی سیاست و در همه‌ی زمینه‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی آنچه از دستشان برمی‌آید، میکنند - حالا شکست میخورند، مطلب دیگری است؛ اما آنها تلاش خودشان را میکنند - لیکن تمرکز عمده‌ی آنها بر روی مسائل اقتصادی است. برای اینکه مردم را از دولت جدا کنند، از نظام جدا کنند، فاصله و شکاف ایجاد کنند، دنبال این هستند که در مسئله‌ی اقتصادی کشور مشکل ایجاد کنند. پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منتها جهاد گونه، با همه‌ی توان، با همه‌ی وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت اینکه داریم چه کار میکنیم. سال جهاد اقتصادی معنایش این است. بخشهای اقتصادی کشور در همه‌ی قسمتهای دولتی و غیر دولتی اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدت باشند، یک جهش به وجود خواهد آمد و همه‌ی مردم در این موفقیت سهیمند.

ویژگی هایی که باید کالای ایرانی داشته باشد

آنچه که من به جامعه‌ی کارگری سفارش میکنم، اتقان و محکم کاری است. این حدیث را من مکرر خوانده‌ام که فرمود: «رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه». پیغمبر میفرماید: کار را محکم باید انجام داد، درست باید انجام داد؛ رحمت خدا بر چنین کسی.

ما باید کاری کنیم که کالای ایرانی به عنوان یک کالای محکم، مطلوب، زیبا، همراه با سلیقه و بادوام در ذهن مصرف کننده‌ی ایرانی و غیر ایرانی باقی بماند. این باید همت مجموعه‌ی کارآفرینی و کارگری و متصدیان این امر باشد. البته این کار، پیش‌نیازهایی دارد. ممکن است آموزش مهارت‌های لازم، دوره‌های ایجاد مهارت لازم باشد - که اینها کار دستگاه‌های دولتی و امثال دولتی است - لیکن باید هدف این باشد. کارگر ایرانی آنجائی که ذوق خود را به کار میبرد، سلیقه‌ی خود را به کار میبرد و سرپنجه‌ی ماهر خود را به کار میبرد، کار جالب و تماشائی از آب در می‌آید.

این کارهای هنری آمیخته‌ای از هنر و کار که ایرانی‌ها در گذشته داشتند، امروز هم وجود دارد؛ این معنا محسوس و مشهود است. آنجائی که ذوق و هنر ایرانی به میدان می‌آید - همین کارگری که دارد کار میکند، ابتکارش، ذوقش، هنرش، محکم کاری‌اش - کار میشود جالب و ماندگار. الان خوشبختانه در تولیدات کشور محصولات زیادی هست که از مشابهاات خارجی‌اش بعضی بهتر است، بعضی بمراتب بهتر است؛ هم زیباتر، هم محکمتر، هم جالبتر؛ این را ما باید عمومیت بدهیم، در همه‌ی مواد تولیدی‌مان؛ چه مواد مصرفی خوراکی، چه مسائل مربوط به پوشاک، چه مسائل زندگی، چه مسائل تزئینی. در همه‌ی چیزهایی که تولید میشود، باید این را در نظر بگیریم؛ و میتوانیم. مجموعه‌ی کارگری، طراحان، مهندسان، سرمایه‌گذاران، کارگران دستی، کارگران ماشینی میتوانند این کار را انجام دهند. ما باید همت‌مان را بر این قرار بدهیم؛ ایجاد محصول بادوام، زیبا و فاخر. این، یک کار کلان است.

استفاده از کالای داخلی توسط همه مردم

نکته‌ی دیگر که خطاب به همه‌ی مردم کشور است، مصرف کالای داخلی است. یکی از آفات موجود اجتماعی ما که ریشه‌ی آن، میراث دوران طاغوت و دوران ظلمانی گذشته است، همین است که افراد، دلبسته‌ی به تولیدات بیگانه باشند. یک وقت تولید داخلی نداشتیم؛ یک وقت تولید داخلی، تولید غیر قابل مصرفی بود؛ امروز اینجوری نیست؛ امروز تولیدات داخلی، تولیدات مرغوب و مطلوب است. در عین حال یک عده‌ای خوششان می‌آید که بگویند فلان نشان خارجی روی لباسشان هست یا روی وسیله‌ی خوراکی‌شان هست؛ این یک بیماری است؛ این بیماری را باید علاج کرد. این کار، توجه نکردن به این است که ما در این مملکت داریم زندگی میکنیم و از نعمتهای الهی بر این کشور داریم برخوردار میشویم. آن وقت پولی را که در این کشور به دست می‌آوریم، میریزیم توی جیب یک کارگر خارجی، به زبان یک کارگر داخلی. این معنایش این است که ما به نیاز داخل، به کارگر داخل که دارد زحمت میکشد و جنس

تولید میکند، بی‌اعتنائی میکنیم، میرویم سراغ کارگر خارجی. این خیلی عادت بدی است. در سال جهاد اقتصادی، به نظر من یکی از قلم‌های مجاهدت اقتصادی مردم این است که بروند سراغ کالای ساخت داخل؛ آن را بخواهند. البته این طرف قضیه هم این است که کالای ساخت داخل بایستی قانع‌کننده باشد؛ بایستی دوامش، استحکامش، مرغوبیتش جوری باشد که مشتری را قانع کند؛ این هر دو در کنار هم، یک کار لازم و واجبی است.

مسائل مهم در سال جهاد اقتصادی

البته مسائلی که باید مسئولین کشور ان شاء الله با همت دنبال کنند، مسائل متعددی در زمینه‌ی سال جهاد اقتصادی است. مسئله‌ی اشتغال بسیار مهم است؛ کارآفرینی بسیار مهم است؛ مسئله‌ی پرداختن به زیرساخت‌های اقتصادی در سراسر کشور، که خب، افراد صاحب‌فکری، صاحب‌نظری نشسته‌اند اینها را بررسی کردند، مشخص کردند، دنبال کردن اینها بسیار مهم است. همچنین مسئله‌ی صنعت، مسئله‌ی کشاورزی، مسائل گوناگونی که در این زمینه‌ها هست، مسائل مهمی است. همه‌ی اینها کارهای اساسی است و پرداختن به هر کدام از اینها جهاد فی‌سبیل‌الله است.

صف‌بندی دستگاه‌های استکبار در مقابل جمهوری اسلامی

آنچه که انسان مشاهده میکند، این است که توفیق الهی و تفضل الهی نسبت به این کشور و این ملت جوری بوده است که این موانع را یکی پس از دیگری از سر راه بر خواهد داشت و پیش خواهد رفت. این پیشرفت، سرنوشت ملت ماست. تلاشی هم که دشمنان ملت ایران میکنند، خودشان را اذیت میکنند؛ بیشتر خودشان را دچار غضب الهی و خسران دنیوی و اخروی میکنند؛ به جایی هم نمیرسند. امروز دستگاه‌های استکبار، دستگاه‌های ظلم، دستگاه‌های ضد بشر، دستگاه‌هایی که در دنیا پیش ملتها رسوا شدند، همه در مقابل جمهوری اسلامی صف بسته‌اند، بلکه بتوانند به این نماد عظمت و شرف اسلامی انسانی ضربه‌ای بزنند؛ نگذارند الهام‌بخش به دیگران باشد. همه‌ی تلاششان را دارند میکنند، نتیجه هم این است که هیچ فایده‌ای از این تلاششان نمیگیرند. خواستند ملت ایران را منزوی کنند، بعکس شد. در این منطقه چقدر رفت و آمد کردند، چقدر نشستند، چقدر با آدم‌های فاسد در منطقه نشست و برخاست کردند که بتوانند ایران را منزوی کنند. خدای متعال جوری پیش آورده که امروز ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در این منطقه، با این انقلاب‌های مردمی، با این سلسله‌ی قیام‌های پر عظمت و پر طنطنه‌ی این کشورها، در صدر نگاه‌های ملتها قرار گرفته و ایران بیش از همیشه بر سر زبانهاست، مورد توجه است، مورد اهتمام و احترام است؛ درست عکس آنچه که آنها میخواستند. دولت آمریکا که خود جزو محکوم‌ترین دولتها و دستگاه‌هایی است که علیه بشر و علیه حقوق بشر کار کرده است، خواست برای منزوی کردن جمهوری اسلامی اقدام کند. رئیس‌جمهور آمریکا سال گذشته در

مصر سخنرانی ای کرد خطاب به دنیای اسلام، با حرفهای به خیال خودش پر زیور و زینتی که بتواند دلها را جذب کند و بتواند آبروی از دست رفته‌ی آمریکا را در این منطقه به دست بیاورد. نتیجه چه شده است؟ امروز منفورترین دولتها در این منطقه پیش ملتها، دولت آمریکاست.

جولان باطل، سرانجامی ندارد

طبیعت کار، همین است. اگر ملتی با نام خدا، با یاد خدا، برای خدا، در راه خدا، به سمت اهداف الهی حرکت کند، خدای متعال او را کمک میکند. امروز ملت ما بحمدالله اینجوری است. مسئولین ما، ملت ما، دولت ما زحمت میکشند، تلاش میکنند. در این کشور، در جهت اهداف الهی دارد کار میشود؛ لذا خدای متعال کمک میکند.

نقطه‌ی مقابل آن، کسانی هستند که علیه بندگان خدا، علیه راه خدا، علیه اهداف الهی کار میکنند. سرنوشت آنها، سرنوشت بدی است. حالا یک چند صباحی هم جولانی میکنند. «للباطل جوله»؛ باطل یک جولانی میکند، اما این جولان سرانجامی ندارد. نتیجه‌اش همین چیزی است که الان مخالفین، دشمنان و مستکبرین دارند نگاه میکنند. به حول و قوه‌ی الهی، فردای این منطقه از امروز این منطقه بمراتب بهتر خواهد بود و ان شاءالله به برکت همت ملتها و حرکت ملتها در راه اسلام، تفضلات الهی بر ملتها بیشتر خواهد بود.

ما از خدای متعال باید درخواست کنیم که ما را در پیمودن این راه توفیق بدهد و کمک کند که ما ان شاءالله همین نیت راه، همین راه را، همین اخلاص را در تداوم حرکت خودمان دنبال کنیم و از خدای متعال کمک بخواهیم.

ابلاغ سیاست‌های کلی اشتغال

سیاست‌های کلی اشتغال 

ابلاغ سیاست‌های کلی اشتغال

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی اشتغال

۱. ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و استفاده از تولیدات داخلی به عنوان ارزش اسلامی و ملی با بهره‌گیری از نظام آموزشی و تبلیغی کشور.
۲. آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار (فعلی و آتی) و ارتقاء توان کارآفرینی با مسئولیت نظام آموزشی کشور (آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی) و توأم کردن آموزش و مهارت و جلب همکاری بنگاه‌های اقتصادی جهت استفاده از ظرفیت آنها.
۳. ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار با تأکید بر استفاده از توسعه فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان و آینده‌نگری نسبت به تحولات آنها در سطح ملی و جهانی.
۴. ایجاد نظام جامع اطلاعات بازار کار.
۵. بهبود محیط کسب و کار و ارتقاء شاخص‌های آن (محیط سیاسی، فرهنگی و قضایی و محیط اقتصاد کلان، بازار کار، مالیات‌ها و زیرساخت‌ها) و حمایت از بخش‌های خصوصی و تعاونی و رقابت از راه اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های ذیربط در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۶. جذب فناوری، سرمایه و منابع مالی، مبادله نیروی کار و دسترسی به بازارهای خارجی کالا و

- خدمات از طریق تعامل مؤثر و سازنده با کشورها، سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای و جهانی.
۷. هماهنگ‌سازی و پایداری سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری و تنظیم بازارهای اقتصادی در جهت کاهش نرخ بیکاری توأم با ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید و افزایش تولید.
۸. توجه بیشتر در پرداخت یارانه‌ها به حمایت از سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال مولد در بخش‌های خصوصی و تعاونی.
۹. گسترش و استفاده بهینه از ظرفیت‌های اقتصادی دارای مزیت مانند: گردشگری و حق‌گذر (ترانزیت)
۱۰. حمایت از تأسیس و توسعه صندوق‌های شراکت در سرمایه برای تجاری‌سازی ایده‌ها و پشتیبانی از شرکت‌های نوپا، کوچک و نوآور.
۱۱. برقراری حمایت‌های مؤثر از بیکاران برای افزایش توانمندی‌های آنان در جهت دسترسی آن‌ها به اشتغال پایدار.
۱۲. توجه ویژه به کاهش نرخ بیکاری استان‌های بالاتر از متوسط کشور.
۱۳. رعایت تناسب بین افزایش دستمزدها و بهره‌وری نیروی کار.

سیدعلی خامنه‌ای

۲۸/تیرماه/۱۳۹۰

حمایت از کار و سرمایه ایرانی برای دستیابی به استقلال اقتصادی

اهمیت گرامی داشتن نیروی انسانی ماهر در جامعه

محور پیشرفت و حیات مستور جامعه

دروغ جوامع طواغیت به کارگران

برخورد صادقانه اسلام با قشر کارگر

دو بال حرکت تولید ملی

احترام به کار و سرمایه ایرانی برای شکل

گیری تولید ملی

آحاد مردم در مصرف تولید داخلی، عزم راسخ

نشان دهند

کارهای گوناگونی که باید در مسئله اقتصاد

انجام گیرد

مبارزه با فساد مفسد اقتصادی

اهمیت توجه به ایجاد مزیت‌های رقابتی

حمایت از کار و سرمایه ایرانی برای دستیابی به استقلال اقتصادی*

اهمیت گرامی داشتن نیروی انسانی ماهر در جامعه

اگر دستهای کارگر، مغزهای کارگر، انسانهای کارآفرین، نیروی انسانی ماهر در یک جامعه‌ای گرامی داشته شود، آن جامعه پیشرفت خواهد کرد. اینکه نبی مکرم اسلام دست کارگر را بالا می‌آورد و میبوسد، این فقط تقدیر از یک شخص نیست؛ این ارزشگذاری است، این درس است؛ به ما میگوید که دست کارگر، تولیدگر و نیروی انسانی آنقدر ارزش دارد که کسی مثل وجود مقدس پیامبر - که همه‌ی آفرینش طفیل وجود اوست - خم میشود و دست او را میبوسد؛ این درس به ماست.

محور پیشرفت و حیات مستور جامعه

کار به معنای وسیع کلمه، شامل کار ییدی، کار جسمی، کار فکری، کار علمی، کار مدیریتی، در واقع محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه است؛ این را باید همه‌مان بدانیم. اگر کار نباشد، سرمایه، مواد، انرژی، اطلاعات، هیچکدام برای انسان مفید نخواهد بود. کار است که مثل روحی میدمد در سرمایه، در انرژی، در مواد اولیه، و آن را تبدیل میکند به یک موجود قابل مصرف، تا انسانها بتوانند از آن استفاده کنند. ارزش کار، اینهاست.

دروغ جوامع طواغیت به کارگران

مسئله این است که در جمهوری اسلامی با کارگر تعارف وجود ندارد. یک عده‌ای در یک برهه‌ای حکومت

به اصطلاح کارگری تشکیل دادند و چند ده سال دنیا را مشغول کردند؛ خیری از آنها به کارگر نرسید. مدیران کشورهای سوسیالیستی و کمونیستی، بهره‌های کلان را از جوامعشان بردند؛ فرمانروائی کردند، قدرت‌نمائی کردند، در زندگی مثل بقیه‌ی طواغیت عالم کامرانی کردند؛ به اسم کارگر. این دروغ است، این تعارف است. در دنیای غرب هم بیمه‌های کارگری، حمایت از کارگر، و چه و چه، عمدتاً برای این است که کارگر کار کند تا آن - به قول معروف امروز - «یک درصد» لذت ببرد و کامرانی کند. با کارگر، صادق و روراست نیستند.

✿ برخورد صادقانه اسلام با قشر کارگر

اسلام با کارگر صادق است، روراست است، منطق دارد. کار، ارزش آفرین است؛ ارزش است. در یک روایتی هست که: «العلم يهتف بالعمل فان اجاب و الا ارتحل»^۱ یعنی حتی دانش، مرهون کار است. در این روایت - که یک بیان نمادین و سمبلیک است - میفرماید: دانش، کار را صدا میزند؛ اگر کار پاسخ داد، دانش میماند و توسعه پیدا میکند؛ اگر کار پاسخ نداد، دانش هم میرود. ببینید چه بیان زیبایی است. یعنی پیدایش دانش، پایداری دانش، پیشرفت دانش، وابسته‌ی به کار است. اینها منطق است، اینها مبنای فکری است؛ اسلام اینجوری است. اسلام با قشر کارگر، صادقانه برخورد میکند.

✿ دو بال حرکت تولید ملی

البته اینها باید ترجمه‌ی عملیاتی بشود؛ این مبانی باید در اجرا، در برنامه‌ریزی، خودش را نشان بدهد؛ که خب، تلاشهای زیادی شده، کارهای زیادی شده، بیشتر از آن هم باید بشود. لذا امسال ما گفتیم: «حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی»؛ کار ایرانی، سرمایه‌ی ایرانی. سرمایه هم عدل کار است. اگر سرمایه نباشد، کار تحقق پیدا نمیکند؛ اینها دوتا بالند، که تولید ملی با این دو بال حرکت میکند. سرمایه‌ی ایرانی هم احترام دارد، کار ایرانی هم احترام دارد. نتیجه‌ی سرمایه و کار عبارت است از تولید ملی. این باید تحقق پیدا کند.

✿ احترام به کار و سرمایه ایرانی برای شکل‌گیری تولید ملی

هر سال به مناسبت هفته‌ی کارگر، کارگران عزیز در حسینیه پیش ما می‌آمدند؛ آنجا یک دیداری داشتیم، دو کلمه حرف می‌زدیم؛ امسال من آدمم خدمت کارگرها؛ این کارخانه را - شرکت داروپخش را - به عنوان یک مرکز نمادین انتخاب کردیم. شما کارگران این کارخانه و کارگرانی که از کارخانه‌های دیگر تشریف آوردید، توجه بکنید که من برای ادای احترام، برای ادای تشکر از کار و کارگر ایرانی، امسال این برنامه را به این شکل درآوردم.

ما تا به کار ایرانی و سرمایه‌ی ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد؛ و اگر تولید ملی شکل

نگرفت، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسئله‌ی اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه‌ی حرف‌ها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمیتواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد.

🏠 آحاد مردم در مصرف تولید داخلی، عزم راسخ نشان دهند

کشور ما به اقتصاد قوی و پایدار احتیاج دارد. من از سه سال یا چهار سال قبل، در سخنرانی‌های عمومی و بزرگ، به ملت‌مان، به عزیزان‌مان، به جوانان‌مان، به مسئولان‌مان تذکر دادم و گفتم بدانید توطئه‌ی دشمن، امروز متوجه به اقتصاد ماست. حالا ملاحظه می‌کنید؟ می‌بینید که نشانه‌های این توطئه‌ی بزرگی که برایش برنامه‌ریزی کردند، یکی پس از دیگری دارد ظاهر می‌شود.

البته شما ملت ایران، با همان عزم راسخی که مانع‌های دیگر را از سر راه برداشتید، ان شاء الله این مانع را هم از سر راه برمی‌دارید. این همت را کارگر بکند، سرمایه‌گذار بکند، مدیران دولتی بکنند، مدیران بخش خصوصی بکنند؛ آحاد مردم هم در مصرف تولید داخلی و تولید ملی، عزم راسخ خودشان را نشان بدهند. کارهای اساسی باید بشود. خوشبختانه مشغول شده‌اند. همین طور که دوستان مسئول در دولت محترم اطلاع دادند، از اول سال، نشست‌هاشان، برنامه‌ریزی‌هاشان، تبادل نظر‌هاشان متوجه این مسئله شده است؛ من هم تأکید می‌کنم. موانع را باید بردارند. برای اینکه تولید ملی شکل بگیرد و اقتصاد داخلی استحکام و پایداری خودش را پیدا کند، همه باید تلاش کنند؛ مسئولین هم در درجه‌ی اول باید تلاش کنند؛ چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی مقننه و چه در قوه‌ی قضائیه. گاهی کار ممکن است به قوه‌ی قضائیه منتهی شود. جریان سالم و مورد توجه و دقت در اقتصاد کشور و در کار و تولید و سرمایه‌گذاری کشور، احتیاج دارد به مراقبت همه‌ی قوا با یکدیگر.

🏠 کارهای گوناگونی که باید در مسئله اقتصاد انجام گیرد

از ابعاد مختلف، کارهای گوناگونی باید انجام بگیرد: مسئله‌ی تقویت مهارت‌ها در محیط کار، مسئله‌ی نگرش‌های درست مدیریتی، مسئله‌ی توانمندسازی نیروی کار، مسئله‌ی ایجاد احساس امنیت؛ هم برای کارگر، هم برای سرمایه‌گذار - یعنی برنامه‌ها، قوانین و مقررات باید جوری باشد که هم کارگر احساس امنیت کند و خاطر جمع باشد، هم سرمایه‌گذار احساس امنیت کند - مسئله‌ی مواجهه‌ی درست با اخلاق اقتصادی. یکی از اخلاقیات اقتصادی، مسئله‌ی قاچاق است. یکی از اخلاقیات اقتصادی، سوءاستفاده‌های گوناگون از سرمایه‌های ملی است؛ از ذخائر متعلق به مردم در بانک‌های کشور است. کسانی با یک نامی از تسهیلات استفاده می‌کنند، اما در جای دیگری مصرف می‌کنند؛ این خیانت است، این دزدی است. گاهی

دزدی از کیسه‌ی یک نفر است، گاهی دزدی از کیسه‌ی یک ملت است؛ این سنگین تر است. با این اخلاصها باید مواجهه بشود.

🌸 مبارزه با فساد مفسد اقتصادی

چند سال قبل از این، که من راجع به فساد اقتصادی به سران سه قوه نامه نوشتم و تأکید کردم، بعضی‌ها ترسیدند، گفتند ممکن است سرمایه‌گذار از این هشدارها پا عقب بکشد. من گفتم قضیه بعکس است؛ سرمایه‌گذار - آن کسی که می‌خواهد از طریق سالمی در کشور فعالیت اقتصادی کند - از اینکه ببیند ما با فساد اقتصادی و با مفسد اقتصادی مبارزه میکنیم، خوشحال میشود. ما باید بتوانیم این مبارزه‌ی درست را در سطح قانونی انجام بدهیم.

🌸 اهمیت توجه به ایجاد مزیت‌های رقابتی

ما باید به ایجاد مزیت‌های رقابتی توجه کنیم. ما می‌گوئیم تولید داخلی. البته امروز خوشبختانه در زمینه‌ی تولید داخلی پیشرفتهای زیادی به وجود آمده. مطمئناً آن مقداری که در ذاکره‌ی عمومی مردم هست، کمتر است از آن مقداری که کار انجام گرفته. این کار نو و برجسته‌ای که خوشبختانه در این شرکت انجام گرفته و ما امروز دیدیم، خیلی بارزش است؛ تأسیس، ایجاد و راه‌اندازی‌اش، به وسیله‌ی نیروی داخلی و در مدت کوتاهی؛ طراحی‌اش داخلی، ساختش داخلی، وسائش داخلی. لیکن در خصوص برجسته کردن تولید ملی، مسئله‌ی کیفیت خیلی مهم است؛ که مدیریتهای تولیدی و کارگرهای عزیز باید به این مسئله توجه کنند. مسئله‌ی قابل رقابت بودن قیمت تمام‌شده مهم است و باید به آن توجه کنند؛ که این البته کمک دولت را میخواهد. اینها کارهای فراوانی است که باید انجام بگیرد. این کارها فقط بر عهده‌ی دولت هم نیست؛ دولت، مجلس شورای اسلامی، دستگاه‌های گوناگون مدیریتی، بخش خصوصی، آحاد مردم، فرهنگ‌سازان جامعه - آن کسانی که با بیانات خودشان برای مردم فرهنگ می‌سازند - تبلیغات صدا و سیما، همه‌ی اینها باید در خدمت تولید ملی قرار بگیرد. اگر ما موفق شدیم این کار را انجام بدهیم، بدانید ضربه‌ی سختی بر دشمنان خونخوارمان وارد خواهد آمد.

سیاستگذاری تولیدمحور، فرهنگ‌سازی برای مصرف تولید داخلی، ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی، نوسازی و ابتکار در ماشینها، در محصولات، در مدیریت، در ساخت؛ اینها کارهایی است که باید انجام بگیرد و امیدواریم ان شاء الله انجام بگیرد.

مصرف تولیدات داخلی؛ راه تقویت کارگرایرانی

- ❖ منقبت اصلی برای نیروی کار در جامعه
- ❖ نیروی انسانی ضعیف، عامل فلج شدن کشور
- ❖ تلاش دشمن از اول انقلاب برای تقابل طبقه کارگر با نظام اسلامی
- ❖ حمایت از کار و سرمایه ایرانی بر عهده همه مردم
- ❖ از همه ملت ایران در خواست میکنم بروید به سمت مصرف تولید داخلی
- ❖ بزرگترین دلیل بر غلط بودن اقتصاد لیبرال

مصرف تولیدات داخلی؛ راه تقویت کارگر ایرانی*

منقبت اصلی برای نیروی کار در جامعه

در مناسبت روز کارگر، معمول است که صاحبان قلم و بیان و گویندگان و نویسندگان به مناقب قشر کارگر میپردازند؛ که البته بجا است. با قطع نظر از اینکه گفتن و نوشتن چقدر در بالا بردن و ارتقاء بخشیدن به رتبه‌ی کارگر دارای ارزش و اهمیت است، منقبت اصلی و محوری برای نیروی کار در یک جامعه این است که کارگر باتن خود، با جان خود، با مغز خود، حرکت پیشرفت کشور و آسایش مردم را تأمین میکند. درست است که عوامل دیگری هم در این عرصه مؤثرند - مانند نیروی سرمایه، نیروی مدیریت - و در جای خود باید قدر آنها هم دانسته شود، ولی کارگر این کار را با جسم و جان خود انجام میدهد؛ این یک ارزش مضاعف است.

نیروی انسانی ضعیف، عامل فلج شدن کشور

اگر در یک کشوری نیروی انسانی کار نباشد، یا ضعیف باشد، یا غیر ماهر باشد، یا فکر او و ذهن او دستخوش جریانات سیاسی گوناگون باشد، آن کشور فلج خواهد شد. شما مجموعه‌ی کارگری کشور ستون فقراتید، و به طور عمده شما هستید که از فلج شدن کشور جلوگیری میکنید؛ این باید دانسته شود، این را باید همه‌ی مردم بفهمند و بدانند. هم در عرصه‌ی فرهنگ‌سازی باید مردم به ارزش کار پی ببرند؛ هم در عرصه‌ی عملی، قانونگذاران و مجریان باید به طور دائم این عناصر را مورد توجه قرار دهند. اگر قشر کارگر در یک کشوری برخوردار از رفاه بود، برخوردار از امید بود، برخوردار از امنیت شغلی بود، حرکت این کشور به سوی پیشرفت، آسان خواهد شد؛ این یک حقیقتی است؛ این را باید همه‌ی مادرک کنیم.

بنده اعتقاد دارم که در کشور ما اهمیت طبقه‌ی کارگر حتی از این هم بالاتر است. آنچه گفته شد، مربوط به همه جا است، مربوط به همه‌ی کشورها است؛ اما در اینجا یک چیز مضاعفی هم وجود دارد و آن این است که کارگران علاوه بر انجام دادن وظائف شغلی، وظائف انقلابی و کشوری را هم خوب انجام دادند. هم در آغاز انقلاب و پیروزی انقلاب، حرکت عظیم کارگران یکی از کلیدهای فتح بود - کارگران شرکت نفت و غیره و غیره - هم در دوران جنگ تحمیلی. در جبهه، به هر طرف انسان نگاه میکرد، جوانان کارگر، میانسالان کارگر، خلأها را پر کرده بودند. در جریانات گوناگون سیاسی هم، کارگراها اسیر اغوای کسانی نشدند که میخواستند مجموعه‌ی کارگری را در مقابل انقلاب و در مقابل نظام اسلامی قرار دهند. اینها چیز کمی نیست. البته خیلی‌ها این حقایق را نمیدانند؛ ما از نزدیک لمس کردیم.

🕌 تلاش دشمن از اول انقلاب برای تقابل طبقه کارگر با نظام اسلامی

من در همان روزهای پیروزی انقلاب، در یک مجموعه‌ی کارگری در قسمت غرب تهران، خودم شخصاً حضور پیدا کردم؛ دیدم دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب چه کار دارند میکنند؛ چه طرحهایی، چه برنامه‌هایی، چه نقشه‌هایی دارند؛ برای اینکه در همین آغاز کار، در همین ابتدای سرزدن اولین پرتوهای انقلاب بتوانند به وسیله‌ی قشر کارگر، نفوذ سیاسی وابسته‌ی خودشان به برخی از قدرتها را تحکیم کنند. این را من از نزدیک دیدم. و در مقابل دیدم که طبقه‌ی کارگر مؤمن ما، به برکت ایمان، به برکت اعتماد به امام بزرگوار و به روحانیت، با چه صراحتی، با چه شجاعتی در مقابل آنها ایستاد؛ و این در طول سالهای متمادی تکرار شد. امروز سی و چهار سال از آن روزها میگذرد. خیلی‌ها خواستند، تلاش کردند، پول خرج کردند، برای اینکه بتوانند طبقه‌ی کارگر را در مقابل نظام اسلامی قرار دهند؛ اما طبقه‌ی کارگر ایستاد؛ این خیلی مهم است. اینها ارزش مجموعه‌ی کارگری ما را، ارزش انسانی‌شان را، ارزش انقلابی‌شان را، ارزش تمدنی‌شان را برای ما روشن میکند؛ اینها باید فرهنگ شود؛ این را باید همه بدانند، همه بفهمند؛ و شما کارگراها باید افتخار کنید.

🕌 حمایت از کار و سرمایه ایرانی بر عهده همه مردم

خب، ما سال گذشته گفتیم حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. این قضیه که در یک سال تمام نمیشود. حالا دوستان و مسئولان گزارشهایی میدهند که این کارها انجام گرفته است؛ خیلی خوب، خداوند به هر کاری که بانیست صحیح انجام میگیرد، برکت بدهد؛ ولی باید کار به صورت جدی و محوری دنبال شود؛ این به عهده‌ی همه‌ی مردم است. این فرهنگ‌سازی که عرض کردیم، یک بخش مهمش اینجا است.

ما گفتیم: تولید داخلی؛ کار ایرانی، سرمایه‌ی ایرانی. این معنایش این است که زرق و برق نامهای فرنگی چشمه‌ها را به خودش جلب نکند. همه بدانند که این محصولی که دارند میخرند، میتواند یک کارگر ایرانی را بر خوردار کند؛ میتواند او را محروم کند، یک کارگر خارجی را بر خوردار کند. البته ما همه‌ی بشریت را دوست داریم، اما خب کارگر ایرانی دارد برای سربلندی این کشور تلاش میکند؛ جزو مغنم و عزیز پیکره‌ی این ملت است؛ او را باید تأیید کرد،

او را باید تقویت کرد. بعضی‌ها این را نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند، یا برایشان نشانه‌ی تولید ایرانی و تولید خارجی فرق نمی‌کند؛ یا حتی بعکس، به جای اینکه دنبال نشانه‌ی تولید ایرانی بگردند، دنبال نشانه‌های تولید خارجی می‌گردند؛ این انحراف است، این خطا است. همه‌ی مردم مخاطب این بیانند.

از همه ملت ایران در خواست می‌کنم بروید به سمت مصرف تولید داخلی

من تأکید می‌کنم، اصرار می‌کنم، از همه‌ی ملت ایران در خواست می‌کنم، بروید به سمت مصرف تولیدات داخلی؛ این کار کوچکی نیست، این کار کم‌اهمیتی نیست؛ این یک کار بزرگ است. البته دستگاه‌های حکومتی و دولتی - دولتی به معنای عام - در این جهت وظیفه‌ی مضاعف دارند. فلان وزارتخانه، فلان سازمان، فلان اداره وقتی می‌خواهد جنس داخلی خودش را تأمین کند، مطلقاً باید از جنس خارجی استفاده نکند؛ بروند سراغ تولیدات داخلی. البته از این طرف هم از تولید کننده‌ی داخلی - چه آن مدیر، چه آن کارگر، چه آن سرمایه‌گذار - خواسته می‌شود و اصرار می‌شود که کار را تمیز، درست و کامل ارائه دهند. هر دوی اینها اشاره‌ی اسلام و دستور دین مقدس ما است. استحکام کار را خدا از ما خواسته است، احترام به کارگر را هم خدا از ما خواسته است؛ امنیت زندگی و شغلی کارگر را خدا از ما خواسته است، امنیت سرمایه را هم خدا از ما خواسته است.

بزرگترین دلیل بر غلط بودن اقتصاد لیبرال

اینها وقتی در کنار هم مورد ملاحظه قرار بگیرند، این افراط و تفریط‌هایی که با نامهای گوناگون به وجود آمد، چه در منطقه‌ی فعالیت اقتصاد لیبرال و به قول خودشان آزاد - آزاد یعنی آزاد برای سرمایه‌دار، اما زندان و حبس و فشار برای طبقه‌ی مظلوم و فقیر؛ که امروز شما دارید در اروپا و کنشها و بازخوردهایش را ملاحظه می‌کنید - و چه در عرصه‌ی سوسیالیسم، به وجود نمی‌آید. بزرگترین دلیل بر غلط بودن اقتصاد به اصطلاح لیبرال همین حوادثی است که امروز در اروپا و به شکل دیگری در آمریکا وجود دارد. در میدان عمل و در عرصه‌ی تجربه، اقتصاد سرمایه‌داری نشان داد که غلط است، ناکام است؛ حتی به سود خود آن طبقاتی که این اقتصاد برای حمایت از آنها به وجود آمد، نیست. حالا طبقه‌ی کارگر که سالهای متمادی در آنها لگدمال میشد، اما حتی به سود خود سرمایه‌دار و بانکدار و صاحبان کار تلها و تراستها هم نیست؛ و این هنوز اول کار است، بعد از این بدتر هم خواهد شد. هی وعده میدهند که درستش می‌کنیم؛ نخواهند توانست درست کنند. این راه، راه سراشیب لغزان است؛ دارند می‌روند پائین، و این یک بخشی از تزلزل تمدن مادی و غلط غرب است؛ بخش اخلاقی و اعتقادی و نظری و فکری‌شان هم که جدا است. اینها برای ما تجربه است. آن بخش عرصه‌ی سوسیالیسم و اینها هم که خب، سالها پیش ناتوانی و ناکامی‌اش ظاهر شد.

اسلام نگاه متعادل، انسان‌مدار و عدالت‌مدار به همه‌ی عرصه‌ها دارد، از جمله به این عرصه؛ هم رعایت این طرف، هم رعایت آن طرف؛ برادری اینها با همدیگر، نه تضاد آنها؛ و همه متوجه به تکلیف الهی و به این که خدای متعال ناظر و حاضر است. اینها باید بشود فرهنگ زندگی ما، و همین جور عمل کنیم.

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب – چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها – روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیرمطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹۰/۴/۲۹

